

شیخ آنحضرت

ایسے مقالہ در شرح آیات سورخ کلیمیان وزیر دشتیان و اسلام  
را حضرت مقاصد عالی الملکوت الاعلیٰ نامی بیرون زاد ابو الفضل گلپاگانی  
در موقع مسافرت ایران در حدود ۱۳۰۵ هجری در همدان  
و اطراف مرقوم فرموده اند. و سال گذشته در موقع اجتماع  
کنونی پنج در مدبی جناب محتار دشیر خدا بخش ایرانی  
ستخلاص یه بحث بجناب هر محمد خان شهاب مالیر کوٹلوی مدیر  
رساله کوکب هند و هی عنايت فرمودند. چون ایک مقاله  
خیلی معروف است و شالقین درج بس آس بوده و کتاب  
مستطاب الفرایید ہم دیگر کیا ب است لہذا بختة الاشاعت  
مخمل مرکزی ہند و برھما بطبع و نشر آس پرداخته.  
و امیدوار کہ ایں خدمت مقبول احباب شود و حاشی در حصل  
کتاب ببوده و این بعد برای سولیت قارئین افزوده.

حشمت اللہ - اگرہ

۸۱  
سنه

## بِنَامِ حَمْدَةِ وَدِيْكِيَا

خدمت ذیست دانشمندان و مشاریع علمت فخیمه  
 اسرائیل عرض میشود که خداوند جل ذکرہ در از منه ساخته  
 این طایفه جلیله را بحرابت توحید و خداشناسی ہدایت  
 فرمود و از ننک پرستش اصنام که در آن ہسنکام  
 دین عموم اهل عالم بود مطهر ساخت و بنی اسرائیل را قوم  
 مخصوص خود نواند و دین تخصیص ایشان را برکل ملک و  
 قبائل برتری داد و بتوسط سرور پیغمبر ان حضرت موسیٰ  
 کتاب مستقطاب تورتیه را که منوار عالم و رہانندہ  
 امام است نازل فرمود و شریعت را درین کتاب

تخصیص اسرائیل

مؤسس مکمل ساخت و پس ازوفات آن پیغمبر عظیم اشان  
 وار تقار آنحضرت بمقام قرب حضرت سبحان این دینین  
 را در هر قرن و زمان پیغمبر پیامی پیغمبران بزرگ موید  
 ساخت و تادت یکهزار پانصد سال تلت فتحیه اسرائیل ۰۰ هاں  
 بوجود این پیغمبران حبیل و حیحای نازله بریشان که  
 اکنون معروف بر سائل انبیای است منور و مفخر بود و چون  
 انسان بصیره شیار درین کتب مقدسه تو ریته و رسائل  
 انبیا ملاحظه نماید خواهد یافت که خبر بزرگی که در تمامی این  
 کتب است اینست که عصای سلطنت اسرائیل خواهد  
 شکست و پادشاهی ایشان انقضاض خواهد یافت و در  
 اقطار عالم از مشرق تا مغرب پراکنده خواهد گشت و  
 در مت طولانی که آغاز و انجام آن نیز در وحی آلمعین  
 و مورخ است دیلاهای سخت کرقار خواهد شد و شهرهای  
 ایشان خراب و ویران خواهد شد و او رشیم پایمال  
 قبایل خواهد گشت تا آنکه بزرگی از جاسب خداوند بپویست

بشارات کبری میوثر کردد و بنی اسرائیل از ذلت و کرنقاری  
 بنجات بخشد و بمراتب عزت و بزرگی نائل فرماید و جمیع  
 طالیف عامرا بریک دین و یکشند مذهب متفق کرد اند  
 و بنی اسرائیل را تبکه دراشت ارض و هدایت  
 عباد غنایت فرماید و با جمله چون بر مراتب مذکوره  
 و قوف حاصل شود معروض میدارم که درین قرن شریف  
 دیوم عزیز اهل بحاج مدعی برآئند که میعادن طهور این وعده  
 مبارک فراسیده است وجود مبارکی که بنجات بنی  
 اسرائیل بلکه بنجات کل اهل عالم موقوف نظهور او بود از  
 مشرق عالم طالع شده و سطوت واقفه ار او با وجود  
 معاذت کل ملل در تمام بلا دنظام گشته یعنی نیز وجود  
 مسعود مقدس حضرت بهار اللہ را در ۱۲۸۵ھ ہجری در  
 اراضی مقدسه تپیه اتشام در شهر عکار که در حول کوه  
 کمرل است خداوند با عنظم اسلام را پوییت کبری ظاہر  
 فرمود و کلام آله و حجی آسمانیز ابر بخی که در توپیه وعده

داده شده بر سان مبارکش نازل نمود و شریعت مقدّسه  
 او که حیات بخش عالم و محل اتفاق کل اعم است مشتمل است  
 بر صلوٰت و صوم و تماٰمی آداب عالیه انسانیه و معانی صفات  
 و کمالات روحانیه و دوستی و نیک خواهی کل اعم و موحدت  
 و معاشرت با تمام اهل عالم در کتاب مسیطاب اقدس خود  
 مؤسّس داشت و کلمه نافذه اش درین مدت قلیل که  
 قریب بست پنج سال است بدون وسائل اطمکنی از غرق  
 و شرودت و بیعت و امضا طها و راکشربلا و غالب کشته و  
 با دشمنی و معاندت اکاید هر طک و ملت اسلام طین و  
 ملک و علیاء و امر آرحتی عامته رعایا امر مبارکش در  
 اکثر بلاء نافذ شده و حجت و برہان خاورش نزد ارباب  
 قلوب صافیه از بجا هی هر زد هب و ملت مقبول ورش  
 کشته بغاہ آنچه که عرض شد مارا در سه مقام تکلم باید که  
 شاید بخواست خداوند ملت عزیزه اسرائیل بسیل بجای  
 راه جویند و از ظلم قبائل و کفر قاری بدرست اعم رستکاری

۴

یا پسند این سه مقام که در آن تکلم می‌شود عبارت است از بیان دلیل و تجربه شریعت و اشارات صریحه در کتب مقدسه براین طور غطیم والشدیدی من ایشانه المی سبیل الواضح المستقیم - مقام اول در بیان این مطلب است که دلیل صدا  
هر کا پیغمبری ظاهر شود حجت اوچه باید باشد و چه دلیل  
صدق رسالت او بر طالب مستعد واضح و معلوم کردد  
درین مقام معروض میدارم که آنچه عموم اهل عالم حجت و  
دلیل سغیران داشته اند مجذرات بدون آنکه تقدیر و  
تجزه  
تفکر نموده باشند در اینکه آیا مجذرات ممکن است و  
پر فرض امکان مفید بر فرمده در تکمیل روح و تحصیل حیا  
جاویده است یافیست و آیا کتب مقدسه تصدیق حجت است  
آن نموده یا ننموده ولکن اهل تحقیق داشته اند که حجت هر  
تحقیق با خدا پیغمبری مخصوص بجان است که خداوند با دعایت فرماید  
و هر حجتی که خداوند بر سول خود دعایت فرمود آن کل  
اہل عالم را عاجز خواهد نمود که نتوانند مثل آنرا بسیار نمود

دیامانع غلبه امر او گردند و ماقون در کتاب مقدس توریتیه  
 نظر کنیم تو اینم داشت که محبت هر سپهی که بعد از حضرت  
 کلیم ظاهر شود کلام آنی دوچی آسمانی خواهد بود و بدین  
 معجزه بزرگ و حجت روشن خداوند دین اورا غالب خواهد  
 فرمود چنانچه در فصل (۱۸) از سفر توریتیه شئی از آیه (۱۸)  
 تا آخر فصل میفرماید (۱۸) از برآمی ایشان پیغمبریا  
 مثل تو اذ میان برادر ایشان میتوث خواهیم کرد و کلام خود  
 بدین ایشان خواهیم کرد اشت تا هر آنچه با او امر میفرمایم  
 بایشان برساند (۱۹) و واقع میشود شخصی که کلمات مرآ  
 که او با اسم من میگوید شنود من لفتش خواهیم مخود (۲۰)  
 آما پیغمبری که متکبرانه در اسم من سخنی که لفتش امر نفرمودم  
 بگویید و یا با اسم خدا یا ان تلفظ نماید آن سعی برسته باشد  
 بسیر (۲۱) و اگر در قلبست بگوئی کلامی که خداوند لفتش  
 پچکوئه بد اختم (۲۲) چنانچه پیغمبری چیزی بنام خداوند  
 بگویید و آن چیز واقع نشود و با نجام نزد این امر است که

فرق

خداوند فرموده است بلکه آن پیغمبر آنرا از روی غور گفت  
و از او مدرس اشتی از ملاحظه این دلیل مبارک معلوم میشود که  
خداوند اخبار فرموده است از تلوپیغمبران راست کو و  
پیغمبران دروغ کو و نیز ان در معرفت و دلیل صدق پیغمبران  
سابقاً نزول کلام آنها بر سان مقرر فرموده و نیز ان معرفت  
و دلیل کلام خداوند را از کلام غیر خداوندان نکته را مقرر  
داشته است که اگر آنچه فرمود در عالم تحقیق یافتد حکم  
او غالب و ناقد شد کلام خداست و آن کلام بشر است  
پس از صریح این دلیل معجزات دلیل پیغمبران توانند بود  
و آنحضرت موسی میفرمود اگر پیغمبری چیزی با اسم من بکوید  
و تو در قلب مرد و باشی که آیا این پیغمبر از جانب خداوند  
است یا نه معجزه بطلب پس چون حضرت کلیم از معجزه چیزی  
نفرمود و آنرا نیز ان قرار نداد ماران نمیشد که دلیل پیغمبران  
معجزات قرار دیهم دامیرا که خدا فرمود بعزم و خود از پیغمبران  
بخواهیم کذشت از تصدیق تو ریشه بر جایت کلام آنها و حجت

بودن مجذرات عمل سلیم شهادت میدهد که مجذرات دارای  
 فائد مانند کلام آنی نیست زیرا کتاب خداوند معین فواید  
 علم و تشریعیت و توحید و معرفت تو اند بود و بدست هر کسی تو اند  
 مسید وزمانهای طلاقی باقی تو اند مانند تا حاضر و غایب و  
 موجود دین و معدود مین کمن بعد بوجود آمیند کل تو اند بر جسته  
 آنی آگاه شوند و از تلاوت آن کمالات رو حائمه را که  
 موجب حیات جا وید و زننگی ابدی است حاصل نمایند.  
 و سایر مجذرات یچکیک بر این گونه نیست دارای این فواید  
 نه چنین مثل اگر مرده زنده گرد و یا درختی بتکلم آید معین، پسچ  
 قایده از فواید نمذکوره نخواهد بود و به سایر بلاد برای ہدایت  
 عبادت و فرستاد و باقی نخواهد ماند تا جست بر آمیند گان  
 تمام شود و دین خداوند عالم را احاطه نماید پس روشن شد که  
 از آنچه در عالم موجود است پسچ چندرتبه و هشرافت  
 علم و کتاب نیست که جست و دلیل سخنبران باشد و شهادت  
 بر تحقیقت اینها و مرسلين و هدپه نیکو است که کمی از داشتمند

## فرموده - شعر

گر بُدی گوهری و رای سخن

آن فرد آمدی بجا می سخن

و اصنافه براین دو دلیل عقلی و تقلی که هر ایک شخص منصف

کافی است در اثبات حجتیت کلام آنی و حجت بودن معجزات

چون انسان متفسس و هوشیار درست ملاحظه نمایند خواه

یافت که خواستن معجزات از اینها امتحان نمودن خداوند است

امتحان خدا زیرا که امتحان ذات غیر آنی بوجهی معقول نه جذب امتحان

منظما هررا پس خداوند در آیه (۲۶) از فصل (۴) تورتیه متنی

فرموده است که خداوند خود را امتحان نمایید بناید مامعجزات

حجت قرار دهیم و سینه بر از امتحان کنیم چنانچه بست پرستان

مغفوران در هر زمان امتحان کردن و کافرشندند مانیز امتحان

کنیم و کافرششیم و رویش ملکتران پیش را مرشدی روشن خود

گردانیم و از آن چشم که ایشان آشامیدند مانیز بیاشامیم و

گمراه شویم بعد از آنکه جمیع لوازم تکلیفی در کتاب بیان شده

اصول  
فرودغ

و تمام مایحتاج انسانی من حیث الاصل والفرع در توریتیه  
مقدس نازل کشته چه ظاہر است که خداوند هر بارن چنانچه  
در توریتیه همچو طرق بخات را در فروع که متعلق بعبادات و  
معاملات است بیان فرموده البسته مایحتاج بشر را  
در اصول که عبارت است از معرفت پیغمبران و پگوئگی حجت و  
دلیل ایشان نیز بیان فرموده و عباد را سرخود و حیران  
و انگذاشته است بالجمله مقصود از تطویل از خدمت شایخ  
ملکت فخیم است اسرائیل اینست که در یا بند که چون خداوند  
جل ذکر همچو جمیع لوازم دینیتیه مارا اصلاح و فرعا در توریتیه مقدس  
بیان فرموده و ذکری از آنکه حجت پیغمبران معجزه است  
ن فرموده ما از پیش خود نمیتوانیم آنرا حجت قرار دیم و بآن  
ابسیار امتحان نماییم والا ظاہر است که پیغمبر خاصه  
مرسل و صاحبان شریعت مظاہر قدرت اقتدار خداوند  
و بر بهر معجزه قادر و تو انا و بر بهر حزیر با ذن الکی مقتدر و حاکم و  
فرمان رواه استند ولکن چشتان کلام الکی است و تاج

مقام دویم افتخارشان و حی آسمانی مقام دویم در اینست که آیا شریعت  
 توریه بظهور پیغمبری از جانب خداوند جائز است تغییر  
 یابد و شریعت مقدّسه بظهور جدید لباس جدید پوشید یا  
 او لاپون در این مقام اندکی تفکر نمایم یعنی خواهیم نمود که  
 نهایت کوشش که بر ما است در شناختن نفس پیغمبر است  
 نه احکام او زیرا که مستقیم شهادت میدهد که اگر بد لیل ثابت  
 شد و ببران محقق گشت که پیغمبری از جانب خداوند مبجوث  
 گشته اطاعت او لازم است در حکم او دلوه رچه باشد  
 چون وچرا جایز نیست ثانیا در کتاب مستطاب توریه  
 در رسائل انبیا تصریح شده تجدید شریعت مثلا اینکه در توریه  
 تجدیدی می‌ووست  
 فرموده از برای ایشان از میان برادرانشان پیغمبری  
 مانند تو مبجوث خواهیم کرد معقول نتواند بود جز آنکه آن پیغمبر در  
 حکم و اقتدار مانند حضرت موسی باشد چه ظاهر است که اگر  
 نفسی در این قدرت بناسد که دینی تشریع کنم باشد  
 موسی نبوده است ورتبه اور اخوان خواهد داشت و این مطلب

درنهایت وضوح است که سلطان کسی است که خود مثل سلطان سابق قادر بحکم باشد و مانند حاکمان مجبور باطاخت احکام باشایی و گرینباشد و آما در رسائل انبیا تصریح تراز اصل تورتیه بر تجدید شریعت اجبار دارد شده از جمله فصل دویم کتاب اشعیا میفرماید کلامیکه باشعیا پسر اموص درباره یهود او رشیلم نازل شده این است (۲) که در آیام آخرین واقع میشود که کوه خانه خداوند از جمیع کوهها و تلها رفع ترخا ہد شد و تاجی طائف بسوی آن روان خواهند شد (۳) و قومی بیشمار روانه شده خواهند گفت که بیان یید تا کوه خداوند بخانه خدا می یعقوب بر آئیم که اور اهله ایش را به منوده در طرق او گردش نایم زیرا که شریعت از صیون و کلام خداوند از اورشیلم بپردن خواهد آمد ۴ و اور میان خلائق حکومت نموده قومی بیشمار را متبه خواهد ساخت و ایشان شمشیر پای خود را بگاو اهن و نیزه های خود را بآرمه تبدیل کرده قومی بقومی شمشیر

اشعیاء

کمل

شریعت

نکشیده باشد یک جنگ خواهند آموخت انتی این وحی مبارک  
 بشارات صریح است براینکه در آخرالزمان ظوری بزرگ در کوه  
 مقدس کرمل که بیت المقدس و عکار و حیفا در حول آن  
 واقع است ظاهر خواهد شد و آن ظور موجب ارتفاع شان  
 و استهار ذکر و علوبتلت کوه کرمل خواهد گشت و جمعی  
 کشی از هر زیب و لذت از اقطار عالم برای زیارت آن  
 رسول عظیم بیلا و مقدسه سافرت خواهند نمود که شریعت و کتاب  
 آنی از او استماع نمایند و آن ظور بزرگ نوعی خلق قابیت  
 خواهد فرمود که جنگ و جدال بالکل از عالم دائل خواهند گشت  
 بلکه آلات حریتیه بادوایت کبته سبد خواهد گشت پس از  
 شریعت تازه صریح این کلام باید شریعت تازه که موجب حرام بودن  
 جنگ و قتل است در اراضی مقدسه برپاشود و این شریعت  
 معلوم است که بظاہر غیر از شریعت مقرر رده در تواتر است زیرا که  
 آن شریعت در حواریب بر حضرت کلیم نازل شد وقتال  
 دروی حرام نبود و این شریعت در صیون باید بظاہر شود و

موجب فراموشی جنگ و جدال کرده این وحی مبارک است  
 عیسیویان بر ظهور علیسی محل نتوانند نمود چه که در ظهور آن  
 حضرت ولهای بیشمار برای زیارت شکوه کریم مسافت  
 نمودند و این کوه مقدس معروف اهل عالم و زیارتگاه امام  
 شیخست و نیز جنگ و جدال تعلیمات او از عالم پر نیفتاد و آلات  
 حرب بادوات کسب مبدل نشد بلکه آلات جنگ بصنائع  
 اهل فرنگ که امتحان حضرتند تکمیل یافت و نیز در آیه  
 (۳۱) کتاب حضرت یرمیا میفرماید (۳۱) که اینکه خداوند  
 میفرماید روزها میآید که من با خاندان اسرائیل و خاندان یهوادا  
 عهد تازه خواهم بست (۳۲) نه مثل عهد کیم با پدران ایشان عهد تازه  
 بروزی که ایشان را جست بیرون آوردن از زمین مصروف است  
 گرفته لبتم که ایشان عهد مراثکشند و خداوند میفرماید که از برای  
 ایشان عهد مرابجای اسرائیل می بندم ایشت که شریعت خود را  
 بدرون ایشان نهاده آنرا در قلب ایشان خواهم نوشت و  
 من از برای ایشان خدا بوده ایشان نیز من قوم خواهند بود

(۳۴) و بار دیگر کسے بهمایه اش شخصی برادر ش تعلیم داده  
خواهد گفت که بخدا اعتراف نمازی را خداوند میفرماید که همکی  
ایشان از کمین و همین میم اعتراف خواهد منود همکامیکه  
عصیان ایشان را عفو منوده گناه ایشان را بار دیگر ذکر ننمایم انتقی

منصوص است

این وحی مبارک نیز صریح است براینکه خداوند یا بنی  
اسرائیل عهد تازه خواهد بست و شریعت جدیدی با ایشان  
تعلیم خواهد فرمود و آن شریعت موجب عزت ابدی و نیز رکی  
دانی بنی اسرائیل خواهد گشت اچنین در کتاب اشیاء  
و عده داده شده پس روشن و آشکار شد که شریعت اصلیه  
آمیت لباس تازه خواهد پوشید و قانونهای دیانت و

خدا پرستی تجدید خواهد شد و این وحی را نیز عیسیویان برخطور  
عیسی احل نتوانند منود چه که در تمام این فصل صریح است براینکه  
این عهد و قنی با خاندان اسرائیل لتبه خواهد شد که اخحاد حضرت  
خلیل در جمیع اقطار عالم متفرق و دلیل باشند چنانکه الیوم  
مشهود است ولی این عهد خداوند ایشان را از اقطار عالم

جمع فرماید و نوعی بفرت رساند که بار دیگر از مملکت خود پر اکنده نشوند  
 و ذیل طوائف نگردند چنانچه در آیه (۴۵) که آخرین فصل  
 فرموده است و تماقی در راه لاشها و خاکستر و همگی مزارع تا بهتر  
 قدر دن و شر قاتا بگوشش دروازه ایشها از برای خداوند مقدس  
 گشته بار دیگر کنده و منهدم ابدانخواه شد انتی پس چون **تفقید**  
 در اوقات ظهر حضرت عیسیٰ بنی اسرائیل در ملک خود ساکن  
 و عزیز پومند و تقریباً سی و هشت سال بعد از عیسیٰ بیت المقدس  
 پیوسطاطیوس رومی خراب و ویران و یو ما فیو ما خاندان  
 اسرائیل از ملک خود مفرق پر اکنده گشتن تا آنکه در زمان  
 خلافت عمر ابن الخطاب و غلبہ اعراب بکلی از توطن در اراضی  
 مقدّسه ممنوع شدند و آن حملک آباد یکسره خراب و ویران  
 شد و تا حدود این زمان بر حالت ویرانی و خرابی باقیست  
 لهذا این وحی را نیز بر ظهر حضرت عیسیٰ حمل نتوان نمود و این  
 عدم راجدید شریعت عیسیٰ نتوان داشت بلکه چون بشیرت  
 آیات کتاب مستطاب و ترتیه و رسائل انبیا صریح است

بر اینکه در و دنیات بُنی اسرائیل و عزت ایشان موقوف بدو  
 دو شرط مشرطت یکی پرآگنده‌گی و خرابی کلی او لآ چنانکه الحال واقع  
 شده است و دویم عزت و آبادی ابدی که من بعد هرگز ذلیل  
 نشوند بناءً علی هذا بخوبی قطع و صریح تو ان گفت که در کتاب  
 خبری از ظهور حضرت عیسی اینست چنینکه و داشاره مجل و لکن  
 تعلق نخواهد نمود این را مکرا او لآ باب و کیکه تزاد است علم  
 کتاب و با مجله چون علمای ملت فتحیه اسرائیل حکم آیات  
 سابقه تو اند داشت که در دنیات اخیر شریعت ایشان  
 بتجدد خواهد شد و ظاهر احکام تورتیه تغییر خواهد یافت محتاج  
 با دله و دیگر نیستیم معاذ الله مخصوص تکمیل بیان معروض میدارم  
 دلیل دیگر که دلیل دیگر بر تعبیر شریعت تورتیه اینست که شریعت مقدّسه  
 که در تورتیه خداوند شریع فرمود موقوف بود بوجود شخص  
 مخصوص دزمان مخصوص دامنه مخصوص دامرکیه برخواسته  
 گان تورتیه پوشیده نیست اینست که امر فرد ابدی احکمی از  
 احکام مقدّره در تورتیه معمول بُنی اسرائیل نیست و تمامی

احکام معمولة احکامی است که علماً و از روی انجار و ناچاری برای  
 برای بنی اسرائیل وضع نموده اند پس چون علماً تو اند احکام  
 تور آیت را تغیر دهنده حال آنکه اید آمادون نیستند چگونه است  
 که خداوند نتواند تعینی دارد نتواند بتوسط پیغمبران شریعت را  
 تجدید نماید اما مقام سیم بشارتها می است که در کتب مقدسه  
 براین ظهور متعین دارد شده و آن بردو گونه است قسم اول  
 قلمدل عجمی در بشارتها می است که بدون تعیین زمان وقت ظهور  
 دارد شده و این قسم از حد کنجایش این صحیفه بیرون نشست و با برای  
 امام مردم بخوبی آیه الکفا خواهیم نمود از جمله در آیه  
 دویم از فصل سیم سفر توریه مشتی بچار ظهورات مغطیم  
 تاورد و دیوم قیامت و بجایت بنی اسرائیل بلکه بجایت تمام اهل  
 عالم اخبار فرموده است میفرماید خداوند برآمد از سیناء  
 تجلی کرد آنچه در خشیده از فاران و ظهور خواهد فرمود با  
 هزاران هزار مقدس و از یکمیش باشان شریعت آتشین  
 خواهد سید استی و این آیه مبارک صحریعت برایکه مانته

آنکه خداوند رسینا از شجره مبارکه طیبیه ظاهر شد و شریعت  
 مقدسه تورات را برای بخات از بُت پرستی باشان عنایت  
 فرموده هم چنین در انجام کار که یوم زوال عَرْت ستمگار است  
 و غلبه ستمدیده گان با هزار هزار مقدس ظاهر خواهد شد و شریعت  
 جدید استشین او عالم را از لوث اخلاف و ظلم مطر خواهد ساخت  
 ولیکن بیان این که ظهور بزرگ درجه مقام و درجه زمان واقع  
 خواهد شد نیز در سائل انبیا ذکر شده چنانچه بعرض خواهد رساید  
 والیضا در فرمور (۱۲) از نبور حضرت داوود میفرماید از آیه دوازدهم  
 نبور

بعد (۱۲) آتاوای خداوند ابد امستقیم مهستی ذکر توپشت  
 پوپشت است (۱۳) تو برخاسته بصیون ترحم خواهی فرمود چونکه  
 زمان مرحمت عنو داشت با آن بلکه زمان معین رسیده است (۷)  
 (۱۴) زیرا که عابدات از سخنگاهی آن محظوظند و بخاک آن  
 برک میجویند تا آنکه طائف از اسم خداوند تمامی ملوک زمین  
 از جلال تو بررسند (۱۵) هنگامیکه خداوند بصیون ز انبیا مینماید  
 در جلال خود ظهور خواهد نمود (۱۶) بدعا شکستگان متوجه

قریح

مراد خلور  
علیست

اشیاء

شده است استدعای ایشان را خوار خواهد شد (۱۸) (۱)

این از برای نسل آینده نوشتہ میشود تا قمیکه آفرین میشوند خداوند را تخصیل نمایند انتی این آیات صریحت که پس از حضرت داؤد در زمان آخ طلور بزرگ با عظم اسما ظاهر خواهد شد و شکستگان و ستمیدگان را نجات خواهند شد و اراضی مقدسه را عبادتگاه مقدسین خواهند فرمود ملاحظه فرمایید که در آیه شانزدهم پچه صراحت تعیین میفرمایید که هنگامیکه خداوند صیون را بنا نماید در جلال خود طلور خواهد فرمود و این معلوم است که مراد خلور علیست ایشان زیرا که صیون در ایام خلور آنحضرت آباد بود و پس از آن حضرت پرست رویان خراب گشت و بعد توسط اعراب و سلاطین و ملوک و آل ایوب و عثمانیان تا حدود این زمان پایمال ویران شد و درین قرن شریف روی آبادی نهاده و محل امید الشمندان عالم شده و نه بس ویر پایید که شرافت و آبادی آن مکان مقدس بجا می خواهد رسید که مقصد جهانیان و قبله عالمیان کرود و یعنی در آیه ششم از فصل هم کتاب اشیاء میفرماید زیرا که از برای

مالدی زامیده و برای مایسری عطا کرده شده است که سلطنت  
بردوش او خواهد بود و اسم او عجیبت و اعظوظ خدا میگیرد  
والد بجاوید و سرورسلامت خوانده خواهد شد والیضا

از آمیه ششم الی نهم از فصل (۲۵) کتاب اسعیا میفراید  
(۶) و خداوند شکرها درین کوه ضیافتی از پرداری همایی های  
از مشترابهای پر در درمانده یعنی از میهانات پرمخواز مشترابهای  
محضی برای تمامی قبائل خواهند بود و درین کوه روپوشی که بر تمامی  
قوهای پوشیده است و ستری که بر تمامی قبائل کشیده بود خواهد  
چید (۷) و مرگ را ابدانگا بود خواهد کرد و خداوند خدا اشکهار از  
چه را پاک خواهد کرد این و سرزنش قوم خود را از تمامی زمین رفع  
خواهد کرد زیرا که خداوند کفته است (۸) و در آن روز کفته عیشود  
که اینکه خدای ما که منتظر او بودم اینست از بجاجات او مسرور و  
شادمانیم این دو مبارک صریح ظاهر است که در کوه مقدس کوه مل  
القاب د <sup>پیویج</sup> ظوری ظاهر خواهد شد و با اسم اعظم و پدر آسمانی موسوم و معروف  
خواهد شد و اجمعی عالم را بجاجات خواهد داد و سرزنش و صدماتی که

بنی اسرائیل بآن درکل قطعات عالم مبتلا هستند از تمام  
 زمین رفع خواهد نهود و مرگ را یعنی کفر و شرک و بُت پرستی را از جمیع  
 عالم مخواهد فرمود و صد ما تیکه بر اهل عالم از کثرت اختلاف می‌باشد  
 وارد است زایل خواهد داشت و اهالی مذاہب مختلفه را بر حالات  
 و خایای امور و عقاید یکیگر مطلع خواهد کرد و عدم ولاالت این کلمات  
 برخطور حضرت عیسیٰ نیز روشن و واضح است چه آن حضرت خود را  
 این خواندند و باین اللہ معروف گشته شد و سرزنش بنی اسرائیل  
 را از عالم مخونند بلکه نهود عیسیٰ سرزنش و صدمات بر بنی اسرائیل  
 زیاده متوجه شد و بلایا برایشان منصوب گشت بلی امروز است  
 مقصود از این وحی مبارک ک ک در ارض مقدس سالے نمی‌گذرد  
 که عالمی اهالی آن حدود از مسلم و یهود و عیسوی و غیرهم بتوان  
 احسانش می‌هان نشوند و روزی منقضی نیشود که در محضر مبارکش  
 باشرپه لطیفه دو حافی که عبارتست از وحی آسمانی و بیانات آسمانی  
 مخطوط نگردد و برحسب ظاهر هم از اغذیه لطیفه و اشرپه لذیذه  
 قسمت می‌برند و امروز است که مدارے ابوت آن وجود

تکمیل و عده اقدس بسان الواح در کل عالم مرتفع شده و بشارت نبود  
 پدر آسمانی و درود ملکوت رباني تمام ملوک بالغ کشته و اطلاعات  
 قبایل بر عقاید یکدیگر نبوده پیوسته و غیر قریب بید قوی بساط  
 مذهب مختلفه را از عالم برخواهد چید و جهانیان را بر مذهب احمد  
 متفق خواهد فرمود و باین واسطه سرزنش بنی اسرائیل را از  
 اقطار عالم قطع وزائل خواهد نمود خلاصه اینها است مختصری  
 از بشارت کتاب که محض نونه و فتح باب برای مشائخ  
 بنی اسرائیل عرض شد از خواهیم تمام بشارتهای رسایل اینها  
 را که صریح در این نبوده اعظم است فقره بفقره ایراد نمایم هر آنچه  
 این صفحه کتاب بسوی خواهد شد و آنون اتفاقنامی آن نیست  
 و این عذر افراغت تصنیفت و تحریر نه و آما بشارتها یک که  
 مورخ و معین است در کتاب وارد شده است صریحتر آنچه  
 کتاب حضرت داییال است و اکرچه تمام مکاشفات آن  
 حضرت تیمین وقت نبوده اعظم است ولیکن بنده بنکارش  
 سه فقره آن اکتفا و اقصار نمایم شاید خداوند بر مظلومین خانواده

آیات نور

داییال

جلیل حضرت اسرائیل ترجم فرماید و ایشان زابنجات ابدی مفتخر  
 و سرافراز گرداند فقره اولی درفصل دویم کتاب حضرت دانیال  
 مرقوم است که بنو کلد نصریینی بخت النصر در رسال دویم خوابی دید  
 و ازان رؤیا بسیار مشوش شد پس حکما و دانشمندان باطل  
 را احضار نمود و تعبیر آن خواب را ایشان چویا شد حکمایی باطل  
 بزبان ارمی بعرض رسایندند که ملک خواب خود را بیان فرماید  
 تا با تعبیر آن امروز دایم بخت النصر فرمود حکم اینست که اصل  
 خوابی را که من دیده ام یا تعبیرش باید بیان کنید و الا گفته  
 خواهید شد چه ظاهر است که اگر من خواب خود را بگویم شما در  
 تعبیر کلماتی که خود ساخته اید و صحبت آن اعتمادی نیست  
 جواب خواهید گفت لکن اگر اصل خواب را خود بیان کنید  
 بر علم و دانش شما و ثوق حاصل خواهد شد و در تعبیرش اطمینان  
 پذیرست خواهد آمد معروف و داشتنند که جز خدا ای آسمان احمدی  
 بر این امر قادر نتواند بود و مانند گان بلکه در روی زمین از عمدۀ  
 این کارکنسی بنتیتو اند آمد بخت النصر از این فقره در خشم شد

فرمان داد تا هر چه حکیم و دانشمند در بابل است بقتل رسانند  
 در پس و زیمان از بُوك نام داشت تمام حکما و دانشمندانی که  
 در بابل بودند برای کشتن گرفتار منود چون در آن زمان حضرت  
 دانیال و رفیقانش از اخفا و اسرائیل در عدا و حکمای جلیل  
 محسوب بودند ایشان را نیز رسانی قتل احضار منود حضرت دانیال  
 از اربوک رئیس جلادان مستفسر شد که سبب خشم سلطانی پست  
 از بُوك او را از چگونگی حال آگاه ساخت دانیال از وهمیت  
 خواست تا پادشاه را از آن آگاه ساز دو دل او را از تسلیش  
 بیرون آورد پس چون همت یافت بخانه مراجعت فرمود و  
 کیفیت را بر فقا و خود صنیا و غریا و ویشاپیل که از  
 مقدسین قوم اسرائیل بودند اعلام منود و متممی شد که در  
 حین صلوٰة و مناجات از درگاه حضرت کاشف المهاست عی  
 ظهور محبت گردید که مبادا ایشان نیز در جمیع کلدانیان هلاک  
 شوند پس در رویا و شیان اصل خواب ملک و تعبیر آن  
 بر دانیال مکثوت شد و دل پاکش بر کشفت آن را ز ملامم داد

پس داینال برخواسته خداوند را تالیش نمود و زبان تحمید  
 و تبریک و تحلیل گویا گردانید و بحضور ملک پاریافت و پس از  
 قیام بلوام تمیت و شنا اهل مار فرمود که خداوند خدای آسمان فریم  
 این بندۀ خود را بر کشف رویایی ملک تو انساخت و قالیقی  
 که متعلق با خوازمان است از این رویا بر ملک اعلام فرمود  
 و صورت بیانات حضرت داینال از آیه (۳۱) تا آخر بیان  
 بر این گونه است که می‌فرماید (۳۱) و توایی ملک دیدی  
 مثال نبرگی را او این مثال نبرگ که صنایع افسرون  
 و نمودارش همیب بود و در برابر می‌ایستاد (۳۲)  
 و این مثال سرش از طلای نیکو و سینه و بازو و ہائیش از نقره  
 و شکم و راهنمایش از برنج (۳۳) و ساقهایش از آهن و پاهاش  
 قسمی از آهن و قسمی از گل بود (۳۴) و ملاحظه نمودی که  
 سنگی بدون واسطه دسته‌آشده آن مثال ابر پاهاشی آهنین  
 و گل‌نیش زد و اورا سحق نمود (۳۵) آنکه آهن و گل و  
 برنج و نقره و طلا با هم سحق شدند و مثل خرس‌گله بابتانی

گردیده با آنچه ار انواعی برداشت که اثری از آنها  
 پیداشد و سنگی که تمثال را زد بکوه بزرگی جلو شده تامی  
 زمین را ملسو ساخت (۳۶) خواب همین است و تعبیرش  
 را در حضور ملک بیان خواهم کرد (۳۷) توایی ملک الملوک  
 زیرا که خدای آسمان هاتور الملک و قدرت و قوت و غارت  
 داده است (۳۸) و در هر جانی که بنی آدم سکونت دارند  
 حیوان صحراء مرغان ہوار بدرست تو سلیمان نموده است و تورا  
 بر همکی آنچه اسلط اگر داینده است و آن سر طلاق تویی  
 (۳۹) و بعد از تو حملکت دیگری که از تو پست تراست  
 خواهد برخواست و حملکت سیمین دیگری از برخی که بر تامی  
 زمین سلطنت خواهد نمود (۴۰) و حملکت چهارمین مثل  
 آهن سخت خواهد بود زیرا چنانکه آهن هر چیز را اسحق و مغلوب  
 می سازد همچنین این ملکت نیز همکیر امنکسر ساخته سحق و شکسته  
 خواهد گردید (۴۱) و چنانکه پایه او اگستھارا دیدی که  
 قسمی از گل کوزه گری و قسمی از آهن بود لمند آن ملکت تقسیم کرد

خواهد شد اما از سختی آهن قدری در آن خواهد ماند چونکه آهن را  
 با گل کوزه گری دیدی که مخروجست (۴۲) و از آنجاییکه  
 نگشتن پایهایش قسمی از آهن و قسمی از گل بود پس آن  
 مملکت نیز قطعه قوی و قطعه ضعیف خواهد بود (۴۳) و چنانکه  
 آهن را دیدی با گل کوزه گری مخروج است به عنوان ایشان  
 خویشتن را بدل آدمی مخروج خواهند کرد اما بهم خواهد پیید بر  
 نبھی که آهن بدل مخروج نمی کردد (۴۴) و در آیام آن طوک  
 خدا ای آسمان مملکتیست که هرگز زائل نشود بر پا خواهد داشت  
 و این مملکت بقومی دیگر و آنرا شته خواهد شد بلکه تماشی کنم  
 را سحق و مغلوب خواهد گردانید و آن ابد ابر قرار خواهد ماند  
 (۴۵) چنانکه سنگ را دیدی که پواسطه دستخواز کوه جدا  
 شده آهن و برخ دگل و لقره و طلار سحق نمود امداد خدای  
 کبیر بلکه را آپنخ بعده از این واقع می شود اعلام مزود است  
 و خواب می تین و تحریر شس صحیح است (۴۶) آنگاه بنو کرد  
 نصر یعنی بخت النصر بر وی خود بدانیال سجد و نمود و امر فرمود

که هدیحا و بخورهای خوشبوی با و بریزند انتی و بالجمله چون  
برصورت این المام ربانی اطلاع حاصل شد برای کشف مقصود

لازم است که شری از مملکت کلدانیان بابل و جغرافی آن اراضی  
جز افیه بابل

بیان نمایم تا بر مطالعه کشند گان این صحیفه کار سهل شود و بر  
حقیقت این اعلام استحضار کامل حاصل آید زیرا که این المام  
را علمای تلت و فیضه علیسیویه و فضلای سلسله علیه اسلامیست

از عدم اطلاع خود ہر یک بظهور علیسیوی و ظهور احمدی جمل نموده  
اند و بالفضل اشد اصل مقصود را برخی که با تو اربع صحیحه مؤقت

کند کا شوف داشته و خواهیم تصریح نمود و صراحت این  
المام مبارک بر این ظهور عظم الطفت ابھی جل ذکره الامن علی

روشن و آشکار خواهیم ساخت شاید خداوند بر حمت واسعه خود

بر کل عنایت فرماید و همکیر بطريق نجات و سبیل رستگاری  
هدایت نماید بالجمله معروض میداریم که عراق و شهر بابل درین

عرض بنایافتہ بود و واقع است فیما بین دجله و فرات چه  
جز افیین اراضی واقعه فیما بین دجله و فرات را بر دو ترتیب

النہرين

نموده اند قسمت شمالی این اراضی را جزیره گویند و قسم جنوبی  
 آنرا عراق نامند و عراق محدود است از جانب شمال بجزیره  
 و کردستان و از سمت مشرق ببلاد عجم دایران و از جنوب محدود است  
 ببلجع عجم که در راه فارس نیز گویند و بادیه است و از سمت غرب  
 محدود است ببادیه و این اراضی قدیماً ملک کلدانیان بود  
 و پایی تخت این مملکت شهر بابل و از عجایب عالم شمرده میشده  
 و هر فرات از وسط شهر میگذرد شسته در دو طرف شهر دو  
 دریاچه بسیار خوش وضع ساخته بودند که در حین طغیان  
 آب شهر محفوظ نماند و این شهر محفوظ بوده است بamarat  
 عالیه و بساطین نزهه و صدر در وادی برخ و آرک عالی سلطانی  
 و سور و حصار این شهر نوعی بوده که کسی آنرا مصیون عیان نمایند  
 شمردی و فتح آن متصور احدی از ملک نگشی خلاصه کلدانیان  
 در فترت پادشاهان ایران قوی گشته و برایرانیان و مصروف  
 شام استیلای افتد و از کلدانیان بتوکد نصریعی بخت المضر  
 بیهودیان کیم ملک بیود و احفاد اسرائیل را با سیری ببابل

آورد و چون او بُرُد پسرش پادشاهی یافت در زمان او سیروس  
 که ویرا در تورات کوش خوانده و مراد کنخسرو بزرگ است مانو شد و ایران را  
 حد بابل سخر ساخت و ملک همچو اوراد تخریز بابل با خود متفق نمود تبری  
 که در تواریخ مرقوم است بابل را سخر ساخت و چون سیروس  
 از جهان برفت و سلطنت پسرش گو در زر سیدا هالی بابل از  
 اطاعت او سر باز زند و دوی را جمال تخریز بابل نشد تا آنکه سلطنت  
 پادشاه بزرگ داریوس رسید و مجدد ابابل را سخر ساخت  
 پیاره شهر را از لفظ منعدم کرد و سلطنت بابل در خاک واده این  
 طبقه اند تا زمان اسکندر یونانی چون اسکندر غالب شد برداشت  
 دولت کا و سیان الفراض یافت اسکندر بابل را آگرفت  
 و خواست تا خرابی بابل را تعمیر کاید و آنرا بزیبائی اول رساند  
 لکن بر آن موفق نشد و از جهان برفت و بعد از دوی نبو بت  
 پونایان و رو ما نیان بر بابل حمله نمودند و بعد اشکانیان بر آن  
 اراضی علیجه یافتند و بابل اندک اندک رو بخرابی هناد و  
 در حدود این زمان عیسیٰ نبیوت مسیحیت قائم شد با جمله بابل

در حالت خرابی در تصرف اشکانیان بود تا آنکه آردشیر  
 با بگان برایران غالب شد و اشکانیان را برآورداخت و دولت  
 بطیقه ساسایان را سیده و شهر طیسفون که عبارت از مادر است ساسایان  
 در ارض عراق تختکار ایرانیان شد و کار براین نجح بود تا  
 آنکه دولت اسلام ظاهر شد و از صولت خلفاء احمدی دو  
 ساسانی و دین زردوشتی در عراق القراض یافت تا حدود  
 این زمان آن حملک در تصرف سلاطین اسلام است  
 پس چون بر هر ارباب و وقاریع ارض عراق اطلاع حاصل  
 نمودی معروض میدارم که ظاهر شد از وقوع رویایی بنوکرد  
 نصرتا طهور میسیح پنج طبقه از ملوک در حملک کلدانیان یعنی  
 عراق اول کلدانیان دوم کاوسیان که ایشان از فوجیان  
 استشید و فارسیان اخی منشیان نامند که مراد کوش طایفه  
 او با شنید سیم یونانیان چهارم رومانیان پنجم اشکانیان  
 که در زمان ایشان حضرت روح الله ظاهر شد بیلی  
 در آن زمان رومانیان که قیاصره باشند بر ایطالیا

تفقید

پنج طبقه

و بعضی از حمالک دیگر استیلای کلی داشتند لکن ارض  
 کلداییان که این رویا در آن دیده شد در تصرف ملوک بود  
 پس معلوم شد که این رویا یعنی دولت ابدی محظوظ بر ظهور  
 عیسی نتواند شود و نیز تأثیر اسلام شش طبقه از ملوک آن  
 ارض استیلا یا فتنه کلداییان و کاووسیان و یوناییان  
 و روماییان و آشکاییان و ساساییان پس این رویا را  
 بر ظهور احمدی محل نتوان کرد و گذشتہ از این چون  
 همچیک از ظهور عیسی و ظهور احمدی عالم را حافظند  
 و جهان را بر مذهب و احمدی معتقد نداشت لهذا این الهام را  
 براین دو ظهور محظوظ نتوان داشت چه بر کسانیکه انجیل را اخوانه  
 اند روشن است که حضرت مسیح اتحاد عالم را در ظهور اول  
 خود و عده نفرموده بلکه آنرا بظهور ملکوت آسمی و ظهور پدر آسمانی  
 محظوظ داشته است و همچنین حضرت رسول بشارت اتحاد  
 عالم را بیوم اللہ و یوم قیامت و ظهور اعظم منوط فرموده پس  
 روشن شد که دولت ابدی که عالم را پسر خواهد نمود و ادیان

مقصد

سابقه را محو و تحقیق و معده و مرم خواهد ساخت یه چیک از دین عیسیوی  
و اسلام تحویل بود پس چون برآ پنجه عرض شد استحضرت حضرات حلال  
فرمودی معروض میدارم که مقصود حضرت دایمال از این چهار  
دولت خلور چهار دین نبرگی است تا ورود یوم الله و یوم آیة  
و یوم الملکوت که اتحاد عالم و موحدیان مختلفه در کل کتب سماوی  
موقوف بورو دآن بوده و این نکته نزد و افغان الہامات

سلطنت

ربانیه روشن است که هر جا در کلامات اینها و عده خلور سلطنت  
داده شده مراد سلطنت روحا نیه که عبارت از دین است  
بوده با چهل اویل دینی که در وقوع این رویا بر اهل عراق غالب  
بوده مذهب کلد اینان بوده و شریعت ایشان معتبر بود از عیاد کلد اینان  
اویان که صورت سلاطین و ابنيای ایشان بوده احکام و این  
این دین از کتب مورخین معلوم است و این دین بر اراضی  
عراق غالب بود تا اینکه یونانیان در و مایان بر عراق مستیلا  
یافتد در آن اویان دین صابئین یعنی پرستش کواكب  
بر ارض عراق جاری گشت و این سلطنت دوم است که

صابئین

دانیال از آن اخبار فرموده و احکام و قواعد این دین کرت  
مل و محل شهرستانی و دیستان المذاهب مضبوط و نذکور است  
تیم دین زرده شتی یوکه در غلبه ساسایان بر عراق و ایران

**زرده شتی**

جاری شد و زرده شتیان هنوز در ایران و هندوستان  
باقی می‌ماند و قواعد و نیشان بر اهل عالم و شخصیت سلطنت چهارم  
دین اسلام است که بعد از انقراض ساسایان بر عراق

**اسلام**

و ایران و اکثر حمالک آسیا و افریقا غلبه یافت و در  
مثل اصلابت و سختی آهن بود و بسیار از ادیان و ممالک  
را محو نمود و این سلطنت بد و قسم منقسم شده قسمی اهل سنت

**سنی**

و جاعت سند که تا در دویم اللش اصلابت و اقتدار اصلیّه  
باقی بودند و قسم دوم شیعه اند که از اهل تشیع قلیل تر و

**شیعه**

ضعیف تر اند در زمان این دولت یعنی اسلام دولت ابدی  
ظاهر شد و صبح یوم آئی پر مید و نیز وجود پدر آسمانی از اراضی  
مقدّس ظاهر شد و زود است که بشارتهای کتب مقدسه  
کل نظور بر سر و مرابت اتحاد و تربیت اهل عالم تمامی کره ارض

**چهار الحجت**

راجست واحده گرداند فقره ثانیه از بشارت های کتب که تاریخ  
 ایام خوار غطیم دارد شده در فعل هشتم کتاب حضرت  
 داییا میفرماید در سال بالقضایاد شاه بابل روایی بنی  
 کشف شد و خلاصه آن روایی اینست که در فقر شوشان  
 که در کشور عیلام است مشاهده نمودم که نزد هزار لاکم نکلیست  
 تر داین دولت یعنی اسلام دولت اپدی ظاهر شد و صبح  
 یوم آئی و یکی نزد هنر قوچ بزرگی استاده بود که وی را دو  
 شاخ بلند بود و یکی از دیگری بلند تر بود و آن قوچ بمشرق و  
 مغرب و شمال و جنوب حمله می نمود و پنج جوانی قدرت نداشت  
 که با او مقاومت نماید و باین چشمته آن قوچ بد کخواهد خود  
 هرچه میخواست مجبول نمیشد اشت و در حالی که متغیر بودم دیدم  
 بزرگی را که از جانب مغرب در پین ہوی می آید و ویرا شاخ  
 خوش نظری در میان جججه اش بود و بر آن قوچ حمله نمود و چون  
 رها شده نداشت شاخهای اور ایشکست و ویرا پا نهاد نمود  
 و آن بزرگ بسیار بزرگ شد و در آن حین شاخ بزرگ شکست

در جای آن چهار شاخ دیگر است بجانب چهار با آسمانی  
 و از یکی از آنها شاخ کوچک خوش منظری برآمد که به مت  
 جنوب و مشرق دارض زیبائے بزرگ و قوی شد حتی پلشکر  
 آسمانها بزرگ شده بعضی ازان لشکر و ستاره هارا بر زمین  
 انداخته و آنها را پامال نمود و هم تا بسرور لشکر بزرگ شد که  
 بواسطه او قربانی دائمی رفع شد پس در آیه (۱۳) میفرمایید و مقدس  
 متكلّمی پرسید که رویایی قربانی دائمی و عصیان خراب گند و  
 تا بچند میرسد و مقام مقدس و لشکر پامال تسلیم کرد و خواهد شد  
 و بن کفت که بد و هزار و سیصد شبانه روز آنگاه مقام مقدس  
 مصنّع خواهد شد انتی و اگرچه حضرت دانیال در همین فصل  
 خود ترجمه این مکافته را فرموده است مع ذلك این عبده  
 برای فرید بصیرت طالبان ہدایت معروض میدارم که معلوم  
 شود مراد آزان قوح بزرگ سلاطین ایرانند که ایشان را  
 مورخان کاووسیان و آخی بیان نامند مولد ایشان  
 ار کان فارس و تختکا و ایشان مداین بوده و چنانچه در فقره

۲۳۰

# قوح بزرگ

اولی نیز عرض شد اولین این طبقه سیر وس است که ویرا  
 در تورات کورش و فارسیان کیخسرو بزرگ  
 نامیده اند و تقریباً کورش پانصد و چهل سال قبل از مایاخ  
 مسیحی تولد یافت و دوی معاصر غرایی کاهن بود و این  
 پادشاه کلدانیان را بر انداخت و برایان و بابل و  
 مدائن و اراضی مقدسه غالب آمد و اخستین شاخ بزرگ  
 این دولت بود که حضرت دانیال در رویا مشاهده فرمود  
 پس از سیر وس پسرش گودرز هفت سال پادشاهی منود  
 چون او نیز از جهان برفت از این طبقه داریوس پسر  
 همیاسب پادشاهی یافت و سخت بزرگ نامور شد  
 واژهند وستان یا یونان را گرفت و او شاخ دویم این  
 دولت است که در رویا دانیال مشهود یافت و در نزد اد  
 این طبقه پادشاهی بماندتا آنکه دولت یونان روی تبرقی  
 هناد و آن بود بزرگ قوی که در رویا با آن تصریح شده و ازین  
 طبقات یونانیان اسکندر پسر فلیپ مأمور شد و برایان

دارا تاخت دوارای کوچک را به شکست و دولت کاوسیان  
 را منقرض ساخت و برایران و هند وستان غالب شد و  
 او شاخ خوش نظریست که دایال فرموده است که در جهیز  
 آن بزرگ مشاهده نمودم و چون اسکندر ب مرد در حمالک متصرفی  
 دی چهار طبقه از ملک سلطنت نمودند یونانیان در و مایان  
 و اسکانیان و ساسانیان و پس از انقضاض ساسانیان در  
 حمالک ایشان سلاطین اسلام پادشاهی یافتد که بسیاری  
 از زهاد و مقدسین را که نجوم سما آردن آنی بودند کشته و  
 بر زمین بخیستند و توسط ایشان قربانی دائمی بی اسرائیل  
 رفع شد و صدمات کثیر بر ایشان متوجه گشت و اراضی مقدسه  
 پاکیل قبائل شد و با جمله چون بحقیقت این مکافه سخت خواه  
 حصل شد بقاونی که در آیه (۳۴) از فصل (۱۴) سفر  
 اعد او از کتاب تور آیه و آیه (۶) از فصل (۱۴) کتاب  
 یکروز یکسال خرقل لصریح شده که در وحی آنی هر یک روز یکسال  
 حاب گشند و علمای موسوی این فقره را بزرگان

عربی یوم شاناگویند یعنی یک یوم یکشنبه این اصطلاح  
 آغاز و انجام روایای حضرت دانیال دوهزار و سی صد سال  
 خواهد بود یعنی بحکم این وحی مبارک چون دوهزار و سی صد  
 سال از زمان حضرت دانیال بگذرد باید همچویع دقایقی مذکوره  
 از علیه ایرانیان و بعد علیه یونانیان و خرابی اراضی مقدسه  
 تمام منقضی شود و اراضی مقدسه بعد از القضا می مرد مسطره  
 بظهور **خطسم** مصطفی کرد و دو زلت قوم مقدس با جام رسید  
 این فقره نزد علمای موسوی روشن و مسلم است که از خرابی آور شیم  
 بدست بخت التصرفا این زمان (دهزار و سی صد هجری) دوهزار  
 و سی صد و هیجده سال گذشت است و بر حسب شهادت  
 توایخ هم از زمان دانیال تا تو لمسیح تقریباً چهار صد و سی سال  
 بوده و از تو لمسیح هم الی ظهور حضرت بحق آراء اللہ در عکار  
 تقریباً دوهزار و هشتصد و هشتاد و هشت سال است و این  
 جمله دوهزار و سی صد و هیجده سال می شود، پس بر کسانی که  
 بصحت کتاب مقدسه موقن نند لازم است که بحکم این وحی

مبارک بر و قوع ظهور اعظم مصني شدن اراضي مقدسه  
 معتقدگر دنديا آنكه العيا ذ بالشه اين وحی مبارک رالغوغه  
 شمارند و هر اينه نزد خردمندان روشن است که باين ظهور کريم  
 اراضي مقدسه مصني شده و کوه مقدس کرم مقصد قبائل گشت  
 و وعده آهي باين وحی مبارک بظهور پيوست) (فقره ثالثه  
 در فصل (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) کتاب حضرت دانيال  
 بتوت بزرگیست که در آن اکثر وقایع کلیه که بعد از حضرت  
 دانيال و قوع یافت اعلام شده از غلبه سلاطین و انقران  
 دول و ظهور دنيان و خرابي اراضي مقدسه و ظهور اعظم ونجات  
 بني اسرائيل بلکه تمام اهل عالم تا اينکه در فصل (۱۲) ميفرماید)  
 در الوقت سرور بزرگ میکاسیلی که از جانب پسران قومت  
 قامست خواهد بود تا دوزمان تنگنامي که از بودن طوفان  
 تا آن زمان بوده است واقع خواهد شد و در آن زمان قوم  
 توپاکسی که در کتاب لسمش مکتوب است اهل بنجات خواهد بود ونجات  
 خواهد یافت (۲) و از خواهید گان در خاک زمین بساري

بیدار خواهند شد بعضی بجهة حیات ابدی و بعضی بجهة رشماری  
 و حکارت ابدی و داشتندان مثل ضیای سپر و کامینکه  
 بسیاری ابراه صداقت رهی بر عما نمودند ما نشد کو اکب  
 تا ابد الاباد در خشان خواهند بود (۴) آما تو ای داینال کلمات ا  
 مخفی کن و کتاب را باز نمایم انجام کار مختوم ساز چینی که بسیاری  
 کردش کرده علم زیاده کرده (۵) اشکاد من که داینال هم نگذستیم  
 و اینکه دو شخص دیگر کی با نیطرف هر دو دیگری با نیطرف هر  
 ایستاده بودند (۶) و یکی مرد طلبیس شد بکنان سفید که  
 بالای آبها ای نهر ایستاده بود گفت انجام این عجایبات  
 تا بچند میکشد (۷) و آن مرد طلبیس شده بکنان را که بالای  
 آبها می نهر ایستاده بود نمی شنیدم در حال لیلکه دست راست دست  
 چپ خود را بسوی آسمان بلند کرده بچی ابدی سوگند یاد نمود  
 که برای کیزمان وزمان دینم زمان خواهند شد و بعض تمام  
 شدن پر اگند کی قوم مقدس همچی این حوادث با انجام خواهد رسید  
 (۸) و من شنیدم و در کنکردم و گفتم ای آقا می من آخر

این حادث چگونه خواهد شد (۹) فرمود که ای داییال راه  
 آخرا زبان خود پیش گیس زیرا که این کلامات تازمان آخرین مخفی و مختومند  
 (۱۰) بسیاری پاک و سفید و قال لذت شده خواهند شد و اینکه  
 شهریان شر را نه رفتار خواهند نمود امّا همچنان که  
 از شهریان در کنخا هند نمود آما داشتمندان ها وزیر کان  
 فحشم خواهند کرد (۱۱) و زمان رفع شدن قربانی دائمی و لفصب  
 شدن مکروهات و خرابی یکهزار و دو لیست و نواد روز خواهد بود ۱۲۹  
 (۱۲) خوشحال کیم انتظار کشیده بر وزیر ہای یکهزار و سیصد  
 و سی پنج برسد (۱۳) آما تو با بخمام کار راه خود پیش گیر زیرا که با استرا  
 گندران نموده در اب بخمام آن روز ہابنفصب خود خواهی ایستاد  
 انتی این وحی مبارک نیز صریح است بر اینکه بعد از پر اگنه  
 گی بنی اسرائیل که از احکام موکده قور ایست و خرابی اراضی  
 مقدّسه و رفع شدن قربانی دائمی بنی اسرائیل پون هزار و دو لیست  
 و نواد سال گذرد سرور اعظم با مراثد قیام خواهد نمود و بکلمه او  
 حشر کبری واقع و بلند خواهد شد و خنگان قبور غفلت و

نادانیرا که عبارت است از ادیان تقلیدی اکثری از نهادی آنی  
 بیدار خواهند گشت و بعضی با قبایل و ایمانِ باد داری غرت  
 ابدی و حیات جاودانی خواهند شد در خی لبیب دواعترض  
 بشمراری و حقارت ابدی که کفر و ضلالت است خواهند  
 رسید و این امور در وقتی واقع شود که مردم و اهالی بلاد روی  
 ترقی هستند و برای کسب هنر کبر وش در آینده و علوم و معارف  
 بسیار کرد و هنر و صنایع بدرجه کمال بالغ شود و این نکته  
 روشن و واضح است که چون از ظهور احمدی که بظهورش قربانی  
 دائمی بُنی اسرائیل برداشته شد و صدیقات و مکروبات  
 در اقطار عالم بر او منصب گشت هرار و دیست نو سال  
 گذشت وجود حضرت بحیره است در اراضی مقدس  
 بر امر اشیه قیام فرمودند و نهادی ظهور مبارکش در اقطار عالم  
 مرتفع گشت و این امر مبارک و راین قرن شریف آنرا  
 افتاد اکثر مملو روی تبرقی بخاده اند و در کسب علوم و  
 تکمیل صنایع ساعی گشته اند و تکمیل علوم و از دیا و معارف

اثمار

۱۲۹۰

ظهور صنایع و میل مل ترتیب و ترقی در این قرن عزیز پر پرس  
 ظاهر و ثابت است و محتاج بشرح و بیان نیست و اگر بعضی  
 علماء موسوی یا عیسیوی که از درجه اضافات خارجند خواهند  
 بهم خود را قربانی دانی و لفظ شد امروز مکروه است برخوبی اتقل  
 طیطوس از ظهور حضرت عیسی و غلبیه طیطوس رومی برادر شیلم شمارند  
 هر آینه ملزم باطل این وحی مبارک خواهند شد و مایه لغوبون  
 این العام ربباني خواهند گشت چه ظاهر است که بعد از هزار و  
 دویست و نوی سال از ظهور مسیح که تقریباً پانصد سال پیش  
 باشد چنین امر زرگی واقع نشده و سرور بزرگی که  
 بکله او حشر کبری واقع شود و اراضی مقدسه بظهورش  
 مبدع مصقی و منور کرد و ظهور تمود آیین ثابت است که مبدع تیار بخدا نیافر  
 ظهور احمدیست که بظهورش یوم ذات بنت بنی اسرائیل فرار سید و  
 چون بحکم خلیفه ثانی عمر ابن الخطاب اور شیلم مفتوح شد و اهل  
 کتاب از اراضی مقدسه اخراج شدند قربانی دانی بنی  
 اسرائیل رفع شد و اجرارات پنجه بر بنی اسرائیل بوقوع

پیوست خلاصه اینهاست مختصری از بشارتخای کتب مقدّس  
 براین ظهور غریب کریم و این عبد محض خدمت بعالم انسان است و  
 رعایت لازم مجتبی و مذکون با موافع کثیره از مرافقت ششم  
 قوی و عدم اسباب بیگارش آن اقدام ننمود تا دیگر هست  
 اینای جنس چند و جزای اعمال هر کسی را بکرام سوکشاند و  
 با کمال در انجام سخن و ختم کلام معروض میدارم که زهار بشارتیکه  
 در قبورات در بخات خود خوانده اید و من بنده برجی از آنرا نگاشتم  
 شمار ابکمان نیزند از دکه هر کسی با اسم بنی اسرائیل موسوم است  
<sup>بنی‌یه</sup>  
 بخات خواهید یافت و مغزور نشود که هر کسی از حضرت ابراهیم و ارش  
 عزت ابدی خواهد شد بلکه کلام صدق و فیحیت خالص اینست که  
 لفظ کنندگان از خدا و نبیخات خواهند یافت و ایمان  
 آورند کان ناظم که نامشان در صحیفه آسمیت است و ارش  
 عزت ابدی خواهند گشت ملاحظه این وحی آخر کتاب داییان  
 فرماید و در آن نیکو لفکر فرماید که خدا و نبی تعالی اشانه  
 در آیه اول همین فصل فرموده است و در آن زمان قوم تو

هر کسی نامش در کتاب مکتوب است بخات خواهد یافت و نیز  
 در آیه هفتم از فصل هیل و سیم کتاب اشیعیا بعد از وعده بخات  
 و غرت ابدی بني اسرائیل فرموده است که امی اسرائیل مترس  
 ذریتی را از مرشرق و مغرب و شمال و جنوب همچو خواهیم نمود و دارای  
 مقدسه مصروف بخش را با ایشان خواهیم داد یعنی هر کسی که با اسم خوانده  
 می شود و برای عظمت خود اور آفریدگی پس از این دو کلام آنی  
 پند کیرید و در وزن بخات خود را از دست نماید و به لقین بداین  
 که هر کسی که خداوند را شخص ننمود و بطور سرور بر کوشی کامل  
 ایمان نیاورد نام او در صفحه روحی از قلم اعلی ثبت نخواهد گشت و  
 وارث غرت ابدی خواهد شد امید چنانست که کل از نصع خاص  
 مشتبه گردند و این یوم عزیز را که بعضی در آن رسماً توار  
 و برخی رشمسار خواهند شد بعقلت نه لگزرا نند.

وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَيَهْدِي النَّاسَ

اَنَّهُ هُوَ الْعُلِيُّ الْعَزِيزُ

ابحیل

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

حمدَ اللّٰهِ عَلٰى نِعْمَتِهِ وَآلَّاهُ وَصَلَوةً عَلٰى وَسَائِرِ فَضْلِهِ وَمَهَابِطِ  
وَجَهِهِ وَمَظَاهِرِ أَجْلَالِهِ وَلَعْدِ مَعْرُوضِنِ سِيدِ الدَّارِ كَمَا جَمِيعُ كُتُبِ سَماوَيْهِ  
وَصَحْفِ الْأَمْيَاتِ بَرَيْنَ مُكْتَتَهْ نَاطِقٌ وَبَرَيْنَ دُقِيقَةٌ مُتَفَقٌ أَسْتَ كَمَّ  
آخِرُ وَقْتِيْ تَبَوَّطَ طَبَرِيْكَيْ اَذْبَرَ كَانَ دِينَ وَطَلَوْعَ نَسِيرِيْ اَذْا فَتَ  
امِ حَضْرَتِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَهْلَافَاتِ عَالَمَ بِالْفَاقَ وَالْيَلَافَ  
بَنْدِيلِ مِيشَوْدَ وَزَاهِبِ مُخْلِفَةٍ وَمَثَارِبِ مُتَفَاقَوْهَهْ كَمَوْجِبِ خَرَابِيْ  
عَالَمَ وَكَرْفَارِيِّ اَمْكَمَشَتَهْ بَنْدِهِبَ وَمُشَرِّبَ وَاحِدَرَاجَ  
كَرَدَ وَأَيْنَ مُكْلَمَهْ اَذْغَايَتَ وَضَوْحَ مُتَحَاجَ نَيَسَتَ كَمَبَنْدَكَرَ  
أَولَهْ وَأَيْتَانَ عَجَارَاتَ كَتِبَ سَماوَيْهِ مِبَادِرَتَ رَوْدَ الْبَشَّةَ  
بَنْظَارُورِ سَيِّدَهْ اَسْتَ وَدَرِيَانَ اَمْتَ اَسْلَامَ مَعْرُوفَتَ

که در ایام طهر حضرت حجت صلوات اللہ و سلمہ علیہ اہل عالم  
 از مشرق تا مغارب بر کل که واحده ایمانیه متوجه شد و تفرق خواهند شد  
 و ادیان مختلفه عقیقه از تمام جهان محظوظ ایل خواهند کشت و  
 یوم موعود یوم طوراً نیز اعظم در کتب آسمانی یوم اللہ و یوم القيمة و  
 یوم الجزا و یوم الحشر و ساعت داشتمانه نمایده اند چه این  
 یوم یومی است غلیظ و روزی است چیز که جمیع عالم تلقیب  
 شود و تمام آشیا را لباس جلدید بدلیع پوشید و خبیث از  
 طیب ممتاز کرده و سمات ادیان فروپچیده شود و مذاهیب  
 مختلفه پدیده ایست واحده راجح آید و علوم و معارف حتی حرف  
 و صنایع روی برتری نهاد و جنگ و جدال با مرغنه متعال از  
 عالم برآورد بلکه آلات حریبه با دوستی سبیله مبدل کرده ایست  
 بعضی آثار این یوم غلیظ که از قلم حضرت علیم حکیم و صحف الواح  
 سمت ترقیم یافته و بشارت تمام ادیان و مذاهیب باز شده  
 و چون اتحاد عالم و اتفاق ائم و بزرگان وجود از مرض سرم  
 اختلاف و تزیین شخص عالم مشهود بزیست مبارک اتحاد

دایتلاف موقوف باین روز عظیم و ظهور کریم بوده لذا حضرت  
 احمدیت جل ذکر و بشارت آزمودن و مصباح در جمیع تابعهای  
 آسمانی نازل غرموده و عهد این روز فیروز را بلسان انبیاء و  
 شیعیان نسبت داشتند و مطلع شدند که این روز خود داشته است  
 مسلمین در نهایت وضوح و تصریح مأمور شده اند که اکثر  
 نفسی وضوح و تصریح آسمانی هرگز از تورات و انجیل  
 و فرقان و کتب انبیاء عجم مانند اوصیا و دستورات و زند  
 و غیرها را ملاحظه نمایند خواهیافت که پس از ذکر حدود احکام  
 در کتب مذکوره خرد کر قیامت و بشارت ناس بظهور دنیارام  
 با اسم قائمیت و قیومیت چیزی وارد نکشته و اکثر آیات کتب دو موعد  
 در وصف این یوم عظیم و علامات آن نازل شده آماق را  
 قرآن مجید  
 مجید و فرقان مجید در سورة مبارکه سجده میفرماید پیر الامر  
 من الشمار الى الارض ثم يعرج اليه في يوم كان مقداره الف  
 سنة مما تعودون يعني پیغمبر میفرماید امر را از آسمان نسبت  
 پس آید و راجع خواهی شد لبسوی او در یک روز که مقدار آن  
 روز هر ارسال است از شماره شماها و خلاصه معقصو آلت است که

خداوند جل ذکر و نازل میفرماید امر دین مبین از آسمان  
 بر زمین و باز بسوی اور ارجح خواه بشد و انوار دیانت از  
 ارض بسما ر عروج خواهد بود در یک روز که مقدار آن هزار  
 سال است از شماره فیما بین خلق چنانچه بر حسب آئیه مبارکه  
 انوار دین مبین و فروع شریعت حضرت سید المرسلین در  
 مدت دولیت و شصت سال بمحی جانب خاتم النبین و  
 ۲۶۰  
 الہامات امکش طاہرین صلوات اللہ وسلامہ علیهم  
 اجمعین از آسمان بر زمین نازل شده چون نعمت  
 دیانت که افضل نعم آنی است در مدت مذکوره بر خلق کمال  
 یافت ایام غیبست کبری فرار سید شمس ولایت  
 از جهان خارب شد اندک اندک انوار علم و معرفت و چنیا  
 شرع و دیانت مرتفع کشت و ظلمت جعل و عنایادت و  
 تاریکی اختلاف و تفرقه ام است اسلام را فرد کرفت و اگر کسی  
 در کتب عالم بدقت ملاحظه کند و تو ارتخ اسلام ن حالات  
 که مشتمل کاند این نظر دقيق بنکر و انتیاز قرون اولی را از

خود فحول علم آر و قدیوم حکم آر و اکابر عرقا و شعرای نامه ار و فصیح  
 عالی مقدار و بلغای دالا افتخار از قرون اخیره ظاهر و آشکار  
 خواهی یافت و بدوان اغراق تزین آسمان دین حضرت  
 خاتم النبیین را در ششصد سال شخت پندان اختر  
 هشتاد و نش هوید اشد که خیره ماند در آن همیده الوا  
 الابصار هنوز اثار اقلام کوهر بارشان روشنی بخش جهان است  
 ومصنفاتشان مقبول حکمای آسیا و فرنگستان و این فقیه  
 نزد و اشخنان روشن و مسلم است که کمالات و علوم از تکت  
 فیضمه اسلام می یابیان تعلیل کشته و عمالک اروپا از قرون غ  
 تکت بینها متور شد چنانچه نیز لوفندک امریکایی در کتاب  
 مرات الا ضمیمه که بلغت عربی فصیح در فن جغرافی تصنیف  
 نموده در ترجمه اسپانیا برای معنی اعتراف کرده است  
 که علوم دنیون از اسلامت علمی اسلام بعدیویان بالغ  
 داری عربستان بارو پاد اخیل کشت و بعکس در ششصد  
 سال دوم نوعی انوار علوم و ماشر فنون از اهل اسلام برداشته

شده که کتب مصنفه ایشان مضحكه ممل خارجه کشته و عباوت  
و بحال انسان مسلم سایر ادیان شده و همانا در فهم این دقیق  
این نکته کافی است که معلمین و مبشرین عیسیوی از ممالک  
ایران و امیر کتابخانه با داد اسلام داخل شده و در هر شهر و در هر ملک  
در مقام تربیت و تعلیم و دعوت این نلت برآمده اند فاعته بر  
یا او لی الابصار و با چلمه چون هزار سال از غیبست کذشت  
و ظلمت جمل و نادانی عالم را فرو کرفت و اختلافات فرق  
عید و نشیعه از اسلام آفاق دین بین را تاریک نمود چنانچه  
سید البشر علیه صلوات اللہ الملک الاکبر اخبار فرموده از اسلام  
جز اسمی باقی نماند در ۶۰۰م آن قاب حقیقت از مغرب یافت

۱۲۶۰

طالع شد و غصني بر و منداز دو حه طیبه علویه بر و مید و روح  
علم و ربیعت بر او پیار مید کلمه نامه آمیت با اسم قائمیت  
در سن بیست و پنج سالگی در ارض فارس ظاهر در مدت هفت  
سال که زمان دعوت آنحضرت بود آیات منزله از قلم  
مبادر کش عالم را احاطه نمود و اوزار و جهه منیر شجاع آیه کریمه

۲۵

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا أَفَقَرَ اسْتَوْرَ فَرِمُود وَوَعْدَهُ  
الْهَمَيْتُهُ دَرَآيَهُ مَبَارِكَهُ فَرْقَانِيَهُ خَلُورِ يَا فَتِ لَيْتِيَهُ عَجَيْشُ  
مِنْ اطْمِيْسَبِ دَلِيْفَصِلِ بَيْنَ التَّوْرَ وَالْظَّلَمَهُ بَامِرَهُ الْمَبِرمُ الْمَيْتِينَ بَرِ  
وَقْتٍ آيَهُ مَبَارِكَهُ سَابِقَهُ دَرِمَقَامِ دَيْكَهُ فَرِمُودَهُ دَسِيْجَهُونِكَ بَالْعَذَابِ  
وَلِنَ خَلِفَتِ التَّدْرِيْدَهُ وَانِ يُوَيَا عَنْدَ رَبِّكَ كَالْفَسَنَةِ  
حَمَالِقَدِونَ خَلاصَهُ مَقْصُودُهُ ازَّاينَ آيَهُ مَبَارِكَهُ اهِيْسَتِ كَشَتَابِ  
يِلِنِيَنِدِ كَفَارَ ازِ رسُولِ خَتَارَ وَرِنْزَوْلِ عَذَابِ وَخَداونَدَهُ عَدَرَهُ  
كَهُ فَرِمُودَهُ تَخَلَّفَتِ نَخَاهَدِ فَرِمُودَهُ هَرَآيَنَهُ يِكَهُ وَرِنْزَهُ دَخَداونَدَهُ زَهَارَ  
سَالِ ازِ شَمارَهُ اينِ جَهَانِسَتِ يِعَنِ نَزَولِ دَلِلُورِ عَقَابُ خَذَلَانِ  
سَتمَكَارَانِ عَزَّتِ دَغَلَسَهُ مَدِيدَهُ كَارَنِ دَرِكَتَبِ سَماَويَهُ  
وَصَحَفَ الْأَهِيَهُ بِيَوْمِ قِيَامَتِ دَعَدَهُ دَادَهُ شَدَهُ دَخَداونَدَ جَلَّ  
ذَكَرَهُ ازِ عَدَهُ خَوَدَتَخَلَفَتِ نَخَاهَدِ فَرِمُودَهُ هَرَآيَنَهُ تَايَوْمِ قِيَامَتِ  
يِكَهُ رَوزَاهَيَهُ كَهِشَمارَهُ اهَلِ اينِ جَهَانِ هَرَاسَالِ اسْتَ باقِي  
ماَنَدَهُ اهِيْسَتِ مَخَصَرِيِ ازِ اشَارَاتِ قَرَآنِ دَلِلُورِ يَوْمِ جَزاً وَ  
وَعَدَهُ تَامَهَهُ كَبَرِيِ قَوْلَهُ تَعَالَى اَنْهَمِ يِرَوَنهُ بَعِيدَأَ اوْرَزَايَهُ فَرِيَيَهَا وَ

قیامت

احادیث مأثوره و اخبار مردیه از اهل بیت طهارت و مجازن  
علم و حکمت موافق آنچه عرض شده بیاراست و اسلام

علاء رضوان اللہ علیهم در کتب خود روایت فرموده اند و از  
متأخرین مجلسی سقیمه اللہ کاس الغرمان من ید عطا یه در جلد

مجلسی

غیر بحث بحاجه الا نوادر ثبت فرموده و از جمله این اخبار

۱۰۰۰

ثواب است که چون از غیر بحث قائم هزار سال بگذر و خبور خواهد

فرمود و آفاق مظلمه عالم افراد غوغ و چه میزرسد شن و منور خواهد بود است

و اخبار دالله بر این معنی که غیر بحث حضرت زیده از هزار سال

امتداد نخواهد بیافت بسیار است از جمله در کتاب صافی

صافی

در تفسیر کلام از سوره بقره فرموده است و من الحدیث مارواه

الیاشی عن ابی لبید المخزومی قال قال ابوجعفر علیہ السلام

یا ابا لبید ائمک من ولد اعباس ائمی عشر قیل بعد الثامن

منهم ارجبه صیب احمد بهم الذکر فقد بجهنم فمۃ قصرا اعمانیه

سیرتهم نعم الغولیق الملقب بالمدای و الناطق و النخادی یا ابا لبید

ان لی في حدوف القرآن المعطوه علمجا ان اللہ تعالی انزل آلم

ذاك الكتاب فقام محمد حتى ظهر نوره وثبتت كلية ولديوم  
 ولد وقد مضى من ألف السابع مائة سنة وثلاث سفين  
 ثم قال وبنيانه في كتاب الشفاعة الحروف المقطعة اذا عدد تجا  
 من غير تكرار وليس من الحروف المقطعة حرف تتفضي ايامه  
 الا وقائم من بنى هاشم عند القضاة ثم قال الالف واحد و  
 اللام شلاشون واليميم اربعون والصاد تسعون فذلك مائة  
 واحد وستون ثم كان بعد خروج الحسين بن علي عليهما  
 السلام اسد لا اله فلما بلغت مدة قام قائم ولد العباس عند المعرص و  
 يقوم قائمنا عند القضاة بما لمرا فاخضم ذلك وعدوا اكتمه  
 خلاصه ترجمة حدیث شریعت اینشت که عیاشی از ابی بید  
 مخزومی روایت نعوذ که ابو جعفر علیہ السلام فرمودیا ابا البید  
 هر آینه ماکت خواهد کشت از بنی عباس دوازده لفظ  
 و پس از هشتین ایشان کشته میشود چهار لفظ که یکی  
 از ایشان را ذبحه و چار خواهد شد آنان کرد هی هستند  
 کوتاه عمرزشت سیرت یکی از ایشان آن فاسق کوینده

کمراه است که ملقب است بجهانی یا ابابیمید مرادر  
 حروف مقطعه قرآن علم بسیار است خداوند نازل فرمود  
 الهم ذلگ کتاب را پس قیام فرمود بر امر الله محمد صلی الله علیه و آله و سلم تا آنکه نور او آش کار شد و کلیر او ثابت  
 داشت و توارکشت تولد یافت آن حضرت دیوم تولد او  
 کذشته بود از هزاره هفتم یک صد و سه سال یعنی از هیوط  
 حضرت ابوالبشر شمش هزار و صد و سه سال کذشته بود  
 که وجود مبارک بتوی در جهان تولد یافت پس فرموده  
 تبیان این نکته در حروف مقطعه قرآن است که نکز رد  
 حرفی کم رانکه قاعی از بنی هاشم نزد انقضای آن قیام خواهد  
 عنده یعنی هر یک از حروف مقطعه ادایل سور فرقانی تاریخی  
 است از برای قیام یکی از بنی هاشم در دوره اسلام  
 پس فرمود البت کی است دلام سی و میسم محفل و صاد نو و  
 پس این جمله کی صد و شصت و یک عدد داست و با جمله  
 واقع شد خروج حسین ابن علی نزد اکم اللہ لا الہ الا و چون

۹۱۰۳

۱۹۱

ای خدیث بالغ شد قیام عنود قائم آل عباس یعنی عبد الله  
 سفاح با هر خلافت نزد المقص و قیام خواهد فرمود قائم ما  
 نزد بلونه و انقضای اعداد مذکوره با لکرا پس دریا پ  
 این نکته بشمار پنجهان دار آنها برونق آیه شریعت چون  
 مدت هفتاد و یک سال از بعثت رسول اکرم گذشت  
 حضرت سید الشهداء الف الحجۃ والبہاد بر امر قیام فرمود  
 و چون صد و چهل و دو سال از بعثت سید رسول گذشت  
 خلافت آیل عباس نتیجی شد و چون برونق فرمان  
 حضرت ابو جعفر حروف مقطعه او اول سوره تابا لکرا بشماریم  
 یک هزار و دویست و شصت و هفت میشود این مطابق  
 ۱۲۶۶  
 مایوم طلوع نیز اعظم است از ارض فارس زیرا حروف  
 مقطعه از اول قرآن تا امراه نیست البقرالم العغان المرا  
 اعراف المقص یونس المرا ہود المرا یوسف المرا  
 رعد المرا الکم الم المص

الرا	الرا	الرا	الرا
------	------	------	------

٢٦١	٢٣١	٢٣١	٢٣١
-----	-----	-----	-----

اینست مختصری از آنچه که در کتاب مجید داحادیث مردویه  
 از آنکه طاہرین علیهم بهار اللہ الکبیر یوم الدین در  
 تیین وقت خلور بصراحت داشارت وارد شده و  
 حب الامر در این ورقه عرض داشجسته صنیق وقت  
 وکثرت اشغال باین مقدار اقصار رفت و چنانچه موانع  
 نمی بود اخبار صریحه و تعمیم وقت خلور پیامها مرقوم می شد و  
 هر آینه این مختصر کتبی بسو طره و این صحیفه صحیفه منتشر کشتی و لکن  
 لا یعقلها الا العالمون و آما تورات خداوند جل ذکر و در کتاب  
 مقدس خود اخبار از بخات عالم و درود یوم اعظم فرموده  
 شنبه ۳۲ یعنی در فصل سی و سیم از سفر تورات شنبه باین عبارت از اخبار  
 خلور متعظم که اشراط قیامت و شرایط بخات خلقت اخبار  
 سینا سعیر فرموده است می فرماید خداوند برآمد از سینا و تجسس  
 فاران فرمود از سعیر و در خشید از فاران و خلور فرمود

با هزاران هزار مقدس از یکمین شریعت آتشین یا یشان  
 سید انتی در مقصود از آیه مبارکه اینست که خداوند از  
 سینا برآمد و شجره مبارکه موسوی خلق را از تاریکی جمل نادانی  
 برداشتی ایمان و داشت ہدایت فرمود از سید خیر جلی  
 کرد و بتایی دات روح القدس عیسی می چنان را زندگی عمود  
 از فاران پدر خشید و از ایوان و وجه احمدی عالم را منور  
 ساخت و ظاهر کرد و با هزاران هزار مقدس تا عالم اتمام  
 بجات بخشید و بجانز از مشرق تا مغرب بهشتی رخنده  
 فرماید بهمن آیه مبارکه تو راست که خداوند در قرآن مجید  
 از آن احجار فرموده است و از سوره ابراء یعنی بقوله الحق و  
 لقد ارسلنا موسی با یاثنا ان اخرج قویک من الظلمات  
 الی النور و ذکر یعنی با یام اللسان فی ذلك آیات کل صبار یوم الله  
 شکور یعنی هر ایسنه موسی را فرستادم با کتاب خود که  
 قوم خود را از تاریکی بجانب نور ہدایت بیرون آرد خراط شان  
 یشان کن با مدن ایام اللحد زیرا که در آن روز آیات

برای هر صیغه‌گفته در بلایا و شکر گفته در بر بود ایت خواهد بود و  
 بعینه بمنج مذکوره در تورات اخبار از ظهور الله  
 و یوم الله است چنانچه در کتاب یہودی خواری از قول  
 ادریس علیه السلام دارد شده می‌فرماید و آخونخ پشت  
 هفتم آدم از آن اخبار فرموده گفت که اینکه خداوندی آید  
 با هزاران هزار مقدس تابعه حکم نماید و بنی دینیان زا بربنی دینی  
 ایشان الزام دهد انتهی و علی‌ای اسلام آئیه مذکوره  
 در تورات راسه فقره آدلار آنرا پنجه ظهور موسوی و ظهور علی‌سیوی  
 و ظهور احمدی تفسیر نموده اند لیکن معلوم می‌شود که فقره چهارم  
 که از همه صریحتر است بشارت ظهور بجانی خواهد  
 بود و الله علی کل شی و شهید او اگر کسی در تمام کتاب مستطاب  
 تورات و کتب ابینا و بنی اسرائیل مانند اشیاء دو ذکر یاد  
 داییال و هو شع و خرقال امشالم سیر نماید و بدقت ملاحظه  
 گند لیکن از ذکر احکام و حدود جز این خواهد یافت که سلطنت  
 یهود منقرض و منقضی شود و بنی اسرائیل از مشرق تا مغارب  
 و عید

حالم پر اکنہ کردند و بیلا ہای سہمناک بتلا شوند و در پیچ  
 ملک جامی امن نیابت دو پیچ و سیله آسامیش نجیبند و  
 شهر ہای ایشان خراب و ویران کرد و اراضی مقدس  
 در ازمنه متمادیہ پامال قبائل شود تا آنکہ بزرگی با اسم ربوبیت  
 و الوهیت در کوه مقدس کریں ظاہر کرد و ارض ضیون  
 جمال اقدس ابھی راحمل نظور اعلیٰ آید و جمیع عالم را اذکفر و ضلا  
 و اختلاف و تفرقہ نجات بخش داں ہنگام بُنی اسرائیل  
 نیز نجات خواهد یافت و دارث ارض مقدسہ و دار امی  
 عزت ابديہ خواهی دشداشت که ملاحظہ نیرو و دینی  
 اسرائیل که فزون از هزار و هشتصد سال است نظور  
 احمدی نکر و یزند و در بیان اسی شدیدہ متواتیہ تحمل و صطبادر  
 زیدند و دین خود را از دست ندادند امر و ذکر ہنوز بفضل اللہ  
 و حسن الطافہ نیز اعظم از افق عالم مشرقت در اکثر بلاد از  
 خراسان و طران و کاشان و همدان و کرمانشاهان  
 و کردستان و سایر ممالک از اراضی مقدسہ و عراق

و عددہ

۱۸۸۸

عرب وغیرها در کمال اشتعال اکثر بیود با مر حضرت عنی متعال  
 مشرف بوده و اقبال موده و دعوت اور اپنے یرفته اند  
 واز جذب بیانات آئی بظهور دین عیسیٰ نیز موفق شده  
 و تبلیغ و پیشگفتار سارِ ملل اقدام موده اند انه لحقی الحجت  
 بكلماته و یقطع دابر الکانین و اینکونه اقبال با حضور جان و  
 مال نتوان بود جزانکه خبر خلور اور ادرکتب خود بصراحت  
 یافته اند و محبت اور ابر سارِ ملل قوی و غالب دیده اند  
 وما بعد الحجت الا الصلال و اکرچہ در اصل تورات و مزمور  
 صد و دوم و فصل دوّم و هنّم و بست چهارم و پست و پنجم  
 و هفتم و هجدهم و پنجم و ششم و فضل شصتم و شصت و هنّم  
 کتاب اشیاء و سی و ششم و سی هفتم کتاب خرقیل و  
 فصل دوّم کتاب ہوش و فصل هشتم کتاب ذکریا و سایر  
 مواضع اخْری که اکنون احصای آن برای نامه نکار ممکن  
 نیست بنحو لصریح از این ظهور کریم و بنا ر غظیم احصار فرموده  
 لیکن در فصل (۱۲) کتاب دانیال مورخ دارد و دنازل

هزامیر

اشیاء خرقل

ہوش ذکریا

دانیال ۱۲

کشته است ولی ذکر تفصیل آن در خود کنجالیش این مختصر است  
 اگر خواهند بکتاب مذکور رجوع فرمایند و اعمال آن اینست که  
 داییان علیه السلام میفرماید در سال سوم پادشاهی کوش که دیرا  
 فرنگیان سیروس دفارسیان کخسرو کویند و حی بر من نازل شده  
 و قائع نبر کرا که تا يوم اللہ واقع میشود از قبیل علیہ سلاطین  
 و ظهور ادیان و خرابی اراضی مقدسه و پراکنده کی بنی اسرائیل  
 در این وحی اعلام شده تا آنکه در فصل دوازدهم میفرماید  
 در آن هنگام سرور بزرگ میکائیل که از جانب پسران قوت  
 قائمست قیام خواهد نمود و زمان تنگی که از بودن طائفت که تا  
 آن زمان نبوده است واقع خواهد شد و در آن هنگام از قوم  
 توپه کرس در کتاب مکتوب است بجاجت خواهد یافت و از  
 خوابنگان در خاک دزمن بسیاری بیدار خواهند شد  
 بعضی جهتی حیات ابدی دل بعضی برای شرمساری و حقارت ابدی  
 و داشتند از این مثل صینا هم پس از راه نمایند کان خلق ربا  
 صداقت مانند کو اکب اید الاباد در خشان خواهند بود

سرمهیکایی

آتا تو ای داییال این کلمات را مخفی کن و کتاب را تا بزمان انجام  
 کار مختوم ساز چونکه بسیاری کردش کرده علم زیاد کرده ولپر از  
 چند آیه داییال میفرازید که امن از آن ملک که نزل ۹۶ این  
 دھی بود پرسیدم چه وقت این عجایبات واقع خواهد شد  
 فرمود ای داییال راه خود کیرزید که این کلمات تا آخر زمان  
 مخفی و مختوم است بسیاری پاک و سفید و قال کذا شسته  
 خواهند شد و شریان بجهة تشرارت خود اور اک سخواهند نمود  
 ولیکن والشندان هم خواهند کرد و زمان رفع شدن قربانی  
 دایمی و لضیب شدن مکردهات محرّقی به یک هزار و دویست  
 و نو دروز خواهد بود خوشحال کسیکه انتظار کشیده بروزهای  
 یکهزار سیصد و سی پنج و بیست و نه تنی خلاصه فضل و ازاد یهم  
 کتاب داییال و بحسب ظاهر این دھی چه اراضی مقدسه  
 و شهریت المقدس مسخر خلیفه ثانی عمر بن الخطاب شد و بفرمان  
 او اهل کتاب را اذار اراضی مقدسه اخراج نمودند قربانی دایی  
 بین اسرائیل در بلده اور شلیم که از فرانس دینیه ایشان بود

۱۲۹۰

۱۳۳۵

برداشته شد و امطار بلایا در تمام اقطار عالم باین قوم باید  
 کرفت و پون هزار دولیست و نو و سال اخدا خلیل در مشرق  
 و مغرب مطر و دود لیل کشته آفتاب جمال مقدس ابی جل  
 ذکرہ الاعلی از مدینه عکام شرق شد و اراضی مقدّس  
 مقدس آشی کشت و وعدہ تهییه در کتب مقدسه رتبه  
 بنده بارگش تمام کشت کذلک یافهر اللہ ما کان مخزو ناتحت  
 الاستعارات والاشارات و مستورات غیا هسب الابصار والعبا  
 لیستوریں بالصدور و حییی به القلوب انة ہو علام الغیوب  
 و اما انجیل تمام آن بشارت است بنز دیکی خدور ملکوت آسمان و آفتاب  
 اهل عالم پر کلمہ واحدہ تو خید و ایمان و انقراض غلبہ اهل ظلم و  
 طغیان و فقط انجیل که مغرب ایکیون یونانی است خود دال  
 باین مطلب است چہ ایکیون مفسر و مترجم است به بشارت  
 یعنی مردہ براہل عالم تقرب قیامت و خدور عظم و لکھن دربیوت  
 یو حتا که عیسیا ایان آز امکان شفات یو حتا نامیده اند مورخ و معین مکافات  
 بشارت داده شده است و تمام این کتاب مکافات

وقایع و آثاریست که بعد از عیسی در عالم ظاهر شده حتی انتی الایم  
الی یوم آدین و یوم نیقوم النّاس لرتب العالمین بسبیل مقدّمه  
معروض میدارم که در کتاب تورات و انجیل و بنویختهای این دو

یوم نشان اکتاب جلیل در هر دو هر چه یوم و روز نامیده شده هر یومی  
عبارت از یک سال بثماره خلق مثلاً میفرماید بنی اسرائیل هفتاد  
روز بارگناه خود را خواهند کشید یعنی هفتاد سال و این سکله  
نوزده علمای یهود و لفشاری ظاهر است و دفصل چهاردهم سفر  
اعداد در آیه (۲۷) از کتاب سلطاطاب توراتیه و آیه (۶)  
از دفصل چهاردهم در کتاب خرقیل بر این سکله تصریح شده  
و تاوی آلمیرا بتسلیک و مجادله بر حق مشتبه نهایند بر این  
معنی تفصیص فرموده پس چون بر این مقدمه استحضار حاصل  
شد معروض میدارم که در باب یازدهم مکافات یو خدا در  
آیه اول و دوم میفرماید آنچه خلاصه آن اینست که بیت المقدّس  
چهل و دو ماہ پامال قبائل خواهد شد و در اصطلاحی که عرض شد  
چهل و دو ماه عبارتست از هزار و دولیست و شصت یوم

یعنی بیت المقدس یکنار و دولیت و شصت سال دیران و خراب  
 و مسخر اعراب و احزاب خواهشند پس در آیه (۳) بعد میفرماید  
**دو شاهد** خود را قادر خواهیم بخشید که پلاس پوشیده یکنار  
 و دولیت و شصت روز بیوت نماید و اینجا دو درخت زیتون  
 و دو پراغ عند نزد خدای نبین ایستاده اند و اگر کسی در مقام  
 اضرار و معافیت ایشان برآمد بسبب آتشی که از دهان ایشان  
 بیرون می آید هلاک خواهد شد و قدرت بر پستان آسمان داردند  
 که در آیام نبوت ایشان باران ببارد و قدرت بر آجها داردند که  
 بخون مبدل نمایند انتی و خلاصه آیات بعد از این فقرات  
 مرقومه احیاء است از جلالت قدر و بزرگواری این دو شاهد  
 خداوند و احیاء از قبل وظیلی که در حق اهل بیت ایشان واقع  
 شده در بیت سه سال دنیم خلافت یزید این معاویه در مک  
 شام و احیاء از قیام در جمعت ایشان تا آنکه در آیه یازدهم  
 در این فصل میفرماید و فرشته هفتم صور دمیده نداهای بینند  
 در آسمان مرتفع شد که عالمگ دینا از خداوند ما میسینش شده

مراد

۱۲۶۰

۱۲۶۰

فصل ۱۲

است و ابدا لا با سلطنت خواهد بود انتهی لپسانان مقرر  
 هوشیار او را که نماید مراد از این دو شاهد در این دجی  
 مبارک حضرت سید المرسلین و امیر المؤمنین علیهم الصلوٰۃ والسلام  
 است که پلاس پوشیده و بزمیت دنیا رغبت لفظ موده و هزار  
 و دولیست و صفت سال نبوت و شہادت ایشان عالم را  
 منور ماخت و حمالک بخطا دیشرب دین و شام و مصر و عراق  
 و ایران از اذنشرک و بت پرسی بجات بخشدید یکله فرد غ  
 بوت کبری از قطعه آسیا بهالک افریقا و اروپا تافت و  
 بعض آن حدود را نیز از نکش عبادت با صنام بیرون آورد  
 و در این مدت بیت المقدس و سایر اراضی مقدسه خراب  
 و پایمال قبایل شد و پس از انقضای هزار و دولیست و صفت  
 سال نمای خلور قائم در جمعت آل محمد ملبند شد و پس از شهادت  
 مظہر قائمیت و صعود آنحضرت بلکوت عزت نمای خلور الله  
 و خلور سیح دور و دیامت دیوم الله در اقطار عالم مرتفع  
 است و الملک یوم ند شد و نیز در فصل دوازدهم مکاشفات

یو خامیفر ماید و علامتی عظیم در آسمان سر زد که زنی پوشیده بود  
 خورشید را داد و وزیر پالیش بود بر سرش تابی بود ازدوازده  
 ستاره و آن زن آبستن بود و از در و زه مینا لید و دیدم  
 از دهای بزرگ آتشین که هفت سر و ده شاخ داشت و بر سرها  
 او افسر بود و مشترک کو اکب آسمان را پر زمین میرخیت و  
 میخواست که چون آن زن نباشد فرزند نداورد افراد برد و آسید  
 آن زن فرزند ذکر نیار که بعضای آهنین بر کل طوائف حکم  
 خواهد راند و آن بچه را بوده شد تا نزد خداوند و عرش او را  
 جاسب خداوند برای اولمکانی معین شد که آن فرزند را یافرا و  
 ۱۴۹۰ دولیت و شخصت روز بپردازد پس در آیه ۱۰ این فصل منیر  
 و انکا و مذای طبند از آسمان مسحی شد که حال بچات و تو انانی  
 و سلطنت خداوند و مسحی او و قوع یافت انتی ایشت  
 خلاصه بشارت این فضل و نزد صاحبان قلب منیر روشن است  
 که هر ازاد آن زن حضرت صد لیقه طاہرہ فاطمه سلام اللہ  
 و بهائه علیهم است و آفتاب شمس نبوت حضرت سید المرسلین

د ماه قمر د لایت امیر المؤمنین د دوازده ستاره امّه  
 طاھرین صلوات اللہ و بھائی علیهم اجمعین و اثر دهای نیز کرک  
 خلفای بنی امیّه بودند که افسر سلطنت بر سر داشتند و بر اکثر  
 حمالک آسیا و افریقا و بعض از اروپا غلبیه داشتند و افتخار نهادند  
 یک ثلث از سادات و علماء زاده اهلت فخریه اسلام را  
 که ستارهای روشن و کوکب منیره دین همین احمدی بودند شنید  
 نهودند و بر زمین رخچند و فرزند زکری که بر بهمه طوائف حکم خواهد  
 داد خاقان آمل محمد بود که وجوه اقدس شش کمیزرا رو دو لیست او  
 شصت سال در پرده غیب لدی العرش مخزون بود و پس از  
 ظهور تمام خلق را ب يوم اللہ و نزول میح با سم  
 من نیزه اللہ بشارت

هدایت

فرمود

شرح آیات سورخه  
حضرت میرزا ابوالفضل گلپا یکانی

هُوَ الْأَبْحَثُ

رها کعن عسبری و تازی سپس راز کیانی کو سرود پارسی برخوان  
نوای خسردانی کو براد لو الاباب پوشیده نیست که چون حکمت باغه  
آئی مفتقنی شد که نوع بشر را بکو هر داش بیار اید و لصبوغت کمالاً  
که در خور احسن التقویم است مرتین و مویددار و طوال فت  
متوجه شده بشریه را بحر اسم تمدن و هیئت اجتماعیه مودب فرماید  
بعوث فرمود در میان هر یملت یکی از ایشان را بر تبة رسالت و موید  
فرمود قلب منیر او را بروح القدس برویت و هر یکی را منظر فرمود  
با خطاب رباني و منصور و موید داشت بهمین نامه آسمانی تابتو سط  
این ارواح مجرده مردم و حشی خوی انسانی کیزند و حیوانات غیر معلم  
معلم عالم کردند از جمله حمالک و مملکت ایران و ملت پارسیان را  
نیز در سوابق ازمان با رسال رسیل و فرستادن پنجه ایران از حقش

ونادانی برها بیند و بحکمای بزرگ و خسروان نادر مکرم و موید  
 ساخت ما نزد کیومرث و هوشنگ و گشید و فرید و منوچهر و  
 سیاوهش و کیخسرو و امثالهم که اسامی ایشان معروفست حالات  
 کما نیغی معلوم و فاریان مدعی آنند که قبل از هبوط حضرت  
 ابوالبشر بازمتادیه که بحساب اهلی این زمان احصای آن امکان  
 پذیر نیست چهار طبقه که عبارت از مده آبادیان و جیان و شایان  
 و یاسایان است رتبه بنت و سلطنت یافته اند و بعد از ایشان  
 کشایان که مورخین آنها را پیش دادیان نامند پس از ایشان  
 کیانیان در ایران سلطنت نموده اند لکن چون داشمندان  
 یافته اند که از بد و خلقت کما نیغی احدی غیر از حق جل ذکره آکاد  
 نیست لذا وقایعی که در حالات طبقات مذکوره نوشته شده از قبیل  
 افانه و خرافات است لهذا حکمای اروپایان اعتقاد نهاده اند  
 و مبد زمینیت و دولت ایران از پادشاه بزرگ سیروس گرفته اند  
 و با بحکم چون تاریکی سبت پستی ایران از از فروع دالش بازداشت  
 و مردم این سامان خوبی دوان در ویش جاوزان گرفتند از خشش

یزدان هریان باران میسان برایان میونشان بیارید و چشم  
 هرایزدی از این کشور بزرگ بگوشت و شت زرد شت که دل پاکش زرد شت  
 بفرد غنچین خرد و شنی داشت به پیغمبری برانگخته شد و  
 بر آنها آفرینش بشا هراه آمین و بینش سرافرازی جست و بیت  
 دیک نیک اوستابر وی فرد آمد در آن هنگام او رنگ  
 خرسی ایران بشاهنشاه آنکه کتاب شاہ کیانی زید آریش هشاد پ  
 داشت و خسوار یزدان بیارگاه خرسی اند آمد و در بارگاه  
 شاهی بارداد و گفتگو بیار شد شت زرد شت لختی از اوستابر خواند  
 و پیروی نامه یزدانی بر بست پرستان اهرین خود چهرا آمد و خرس و  
 ایران آمین یزدانی را پذیرفت و بگوشش آن شهر بیار کامگار و  
 فرزند نام ارش اسفندیار آمین بھی در ایران رواج یافت و تاریکی اسفندیار  
 بست پرستی نزد و ده کشت و از پر تو خسته نامه یزدانی پایه هنر و دانش در  
 ایران روی بفرز ایش هناد و فرز افکان نامور و موبدان آمین  
 پرورد پادشاهان داکستر در ایش فرخنده کشور پدید آمدند بر وزگار  
 بیار دین بھی در ایران بپایید و بادشاهان بزرگ در این کشور

پمیه آمد اتند آخی نیشان که ای شا زا کا و د سیان نیز کو میند و  
 اسکایان و ساسایان و پمیدان ما زندران لپ چون  
 یکهزار و هفتصد سال کم و بیش از این روزگار گذشت اند که  
 اند ک امین مردی و شفی دلنشوری از میان شان برداشته شد  
 و فرمان خدای نزد کرا خوار گرفتند و رو شهابی نزد را پیش بخواه  
 خود کردند تا آنکه آتش خشم خداوند بر ایشان افزایش کشت و آتش کفر  
 نیز دانی ایران را فرو کرفت و فرق غنیمت خرد از تازی سوی  
 جهان بدرخت دواختر و انس و هزار از کشور بظا سرمه د و ستود و پیش از  
 بنی هری قرآن در جهان نامور شد و امین فرش از باختر تا خاد فرا  
 گرفت از پیروان نامدار ش خسری ساسایان پسری شد و امین  
 بھی روی ابتدی وستی آورد و الکون هزار و دویست سال از زدن  
 است که بھی کیشان در ایران و هندوستان کرد و هی اند ک و پراکند  
 اند و خسروان تازی امین و سیحی کمیش اسور است و بندہ و بانجھل با آنکه  
 هنوز اوستا وزندگی کیزنا محای پار سیان ترجمه نه شده است نزد  
 فارسیان سلم است که خداوند را نزد نشست ابرآ پنجه نکاشته آمد انجار فرمود

۱۶۰۰

و از چونکی و آغاز و انجام بھی کشی آگاه نمود و اور اشارت داد که  
 پس از غلبه تازیان و پریانی بھی دینان خدا و مذکور کی را در ایران  
 از نژاد خسروان کیان پیغمبری برآنگیز اند و بر بیت کبری میتوشت  
 فرماید تا جان از باخترا خا و بیندران پرستی کرد و آورد و اهل عالم را  
 بیکش دین و یکش آئین متفق کرد اند از جمله در دینکرد که از کتب مقدسه دینکرد  
 معروفه ایں طائفه است پس از ذکر ظهور دین عربی و انقراض دلت  
 پارسی و دلت خواری گرده زردشتی میفرماید چوں هزار و دویست و  
 ۱۳۰۰  
 اند سال تازی آئین را کند و ہوشید پیغمبری برآنگیته شود انتی و  
 اند در پارسی مراد از یک تا نه عدد است  
 در مرتبه خود از مراتب آحاد و عشرات و مات خلاصه ترجمه عبارت  
 این است که چوں هزار و دویست و کثری از دین اسلام بکند و یعنی  
 قبل از آن که تاریخ ظهور اسلام بپار و سیصد بر سده صاحب فتح قدری  
 بر تبره رسالت کبری میتوشت کرد و دو نیز در کتاب دساتیر که از کتب مسلمه  
 ایشانست و آنرا از پیغمبران باستان ازمه آبادیان تا آزر ساسان  
 پنجمید اند و با عقائد نکار نمده ما خود از او ستا فراهم کرد و آز کیون

است بسان نخست و سان نجم میفرماید آین تازی پیدا آید  
 بزرگشان مردمی سخن کوباشد و گفتاری در هم پیچیده دارد که هر کس  
 به سوپردش مردان آن آزی در هم افراوه باشد و از هزار باز رکا  
 کیش خوش را بکشد و آنچه بزرگشان فرموده هم نکند این آین دریا  
 شوریست پهار سویه با دار که انجام کشتی خود را فروبرد چون هزار سال  
 تازی آین را کنار دچنان شود از جدایها که اگر باشیں گر نمایند باز  
 نشاندش و اگر نمایند از همین چرخ چرخیدم بر اکتیرم از کسان تو  
 کسی را که آب و آین قربابور ساکن و پیغمبری و پیشوائی را از فرزندان  
 تو پنگیرم انتی در حین نکارش چراین محضر از کتب مرقوم در خاطر پند  
 لهدایان مقدار اختصار رفت تا در عبارات زیاد و کمی که لازمه سهو  
 ولیان بشمری است افع نشود و لاعبارات کتب نه کوره اتم و هر  
 دیسان المذا  
 از آنست که عرض شد که و آنده دیسان المذا هب در شرح حال  
 فاریان فرموده است که خداوند بزردشت فرمود من تو را میانه آفریدم  
 چنانچه از گیو مرث تا تو سه هزار سال خواهد بود همچنین از تو تار و ز  
 رسخیز سه هزار سال خواهد بود انتی و نزد مبشران در فتن تایخ

کیو مرث  
سه هزار

روشن است که از زمان گشا سب که زردشت در عدوی بر سالم  
 میوشت شد تا هم از عظم سه هزار سال که داشت خلاصه مرام آنکه در قین  
 ۳۰۰۰  
 وقت خلوک اکثر فارسیان حتی علمای ایشان مطلع و آنکه هندا نیست  
 که از این فسه نیز جمعی بقیو امراعظم مفتوح گشته و معرفت و هدایت  
 مورد شدنند ولایتند که آلا او لالا بباب و فی آخر القول و ختم الكلام  
 معروض میدارم که احصای اشارات اینها را و مرسیین براین خلوک روح  
 و طلوع شیع غنیم در این مختصر امکان پذیر نیست و نکارندۀ اوراق  
 آیات کتب مقدّسه سما دیده اکه صریحیت براین ظهور درسته ماضیه در  
 ۱۳۰۴  
 ۱۸۸۶  
 حین عبور از کاشان در جواب مسائل میرزا اسطوهر قوم داشته و بر رنج  
 ائم قوم اقامه پرها نموده است ولکن منکرین و مکذبین ازین یکندو  
 بیوم الدین برای امثال عوام هر خطه بخوبی از جمال او هم سکنه و اتخا  
 لا و هم من بیت الغنکبوش کا هی تحریف کتب مقدّسه و کاهی بجهیت  
 معروف کذب الوقاوون تثبت جسته خلق را از سیل رشد و هدایت  
 شیع می نمایند مثل اهم ماضیه قوم خود را دردار البوار شرک و کفرمی کردند  
 این قدر مستشعر و مدرک نیستند که خداوند فرموده است مردم عالم

وقت قیام و ساعت نیستند نظر موده من نیز خود عالم شیم و امام فرموده  
است دیگران درین وقت خلور دروغ کفته اند نظر موده است اینها  
در سل و آنکه پس آیا آنها هم العیاذ بالله کاذب بوده اند و مانع گویم  
فلان عالم چنین کفته است بلکه گویم خدا و رسول چنین فرموده اند  
وزر و تبصرین هوشیار روش است که عالم کل شی نزد مخازن علم و مخا  
وجی و ممتاز حکمت الهام بوده و خواهد بود و در کتاب آئی و فرقان  
مجید نازل کشته است و محبت اعظم و بر همان اتفاق اقام بر طبل آیات  
آئی است و کتاب رباني الذی احاطا العالم واستضاها من نوره  
الاهم و اخلاص معاذین و تسوييات منکرین ماتع اذ غلبیه امر حضرت  
رب العالمين نتواند شد و يوم قیوم اوزار اعظم اذ آفاق عالم  
ساطع تو و مشرق تو خواهد کشت فنون لقیم اللہ بقوه نظر الطینان  
و نیطی و بقدرته بساط الادیان کجیث لا یستی فی الارضن الا اللهین الخالص  
والامر الواحد الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على عباده

صطفیهم اللہ  
الذین ایمیم اللہ  
لیوم الدین